

# دفتر کنگره شامل مجموعه اسناد

سه‌شنبه، 27 مارس 2018 - 00:20



## فهرست

فشرده فعالیت‌های یکساله

ما

پیشنویس آئین‌نامه کنگره

مشترک

پیشنویس منشورها:

دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به

دموکراسی

کیستی و باورهای بنیادین

«سازمان نوین‌پاد»

به سوی حزب!

طرح منشور: برای چپ سوسیالیستی، عدالتخواه و دمکراسیخواه

نامهای پیشنهادی

پیشنویس اساسنامه

پیشنویس سند سیاسی

## فشرده فعالیت‌های یکساله ما

هیئت برگزاری کنگره مشترک پس از یکدوره فعالیت مشترک چند ساله و بدنبال کناره‌گیری شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران و بخشی از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران از پروژه وحدت، با ترکیب سه نماینده از هر طرف، یعنی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران- طرفداران وحدت چپ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کشگران چپ، تشکیل گردید. این ارگان که وظیفه برگزاری کنگره مشترک و مدیریت این پروژه را به عهده دارد، برای تدارک کنگره مشترک، گروه‌های کاری زیر را تشکیل داد:

گروه کار عملی و فنی کنگره

## گروه کار تبلیغات و رسانه

### گروه کار ارتباطات و سازماندهی

#### گروه کار منشور

#### گروه کار اساسنامه و آئین نامه

#### گروه کار موضع گیری سیاسی

این گروه‌های کار در حالیکه تحت نظارت هیئت برگزاری کنگره مشترک فعالیت می کرده اند اما مستقل تصمیم می گرفته اند.

هیئت برگزاری کنگره مشترک در چند ماهه نخست، فعالیت خود را برای سرو سامان دادن به امور درونی، متمرکز نموده است. با سر و سامان یافتن امور درونی، فعالیت بیرونی هیئت برگزاری کنگره افزایش یافت. با انتشار سایت "**به پیش**"، فعالیت اعضای این مجموعه در این سایت متمرکز شد.

طی این دو دوره، هیئت برگزاری کنگره 36 جلسه برگزار نموده است که دو جلسه آن حضوری بوده است. هر ماهه، حداقل یک جلسه عمومی پالتاکی برگزار شده است تا پیرامون موضوعات در دستور کنگره منشور، اساسنامه، نام و اوضاع سیاسی، گفتگو و بحث صورت گیرد. همچنین در ایمل لیست درونی و نشریات بیرونی بحث‌ها تداوم یافت و اعضا در جهت دادن به طرح‌های پیشنهادی به کنگره، نقش موثری ایفا نمودند.

در این دوره همزمان با تدارک برگزاری کنگره، در زمینه‌های مختلف، فعالیت مشترک تداوم داشته است. تلاش کردیم نسبت به اتفاقات و رویدادهای سیاسی و مسائل جامعه به سهم خود فعال برخورد کنیم. ثقل اصلی واکنش سیاسی ما روی مسائل مربوط به جنبش‌های اجتماعی متمرکز بوده است. دفاع از خواسته افشار و طبقات فرو دست جامعه، دفاع از حقوق کارگران، یکی از محورهای اصلی سیاسی مورد تاکید ما در این دوره است. همزمان کوشیده ایم وضعیت زندانیان و افشای سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را فعالانه پی بگیریم و نسبت به آن، واکنش نشان دهیم. در دیگر زمینه‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی نیز تلاش کرده ایم از خواست آنها پشتیبانی نماییم.

فعالیت سیاسی ما محدود به صدور اعلامیه‌ها نبوده است. در حرکات و اقدامات سیاسی در خارج از کشور به جز موارد خاص، نظیر شرکت در جشن اومانیته، کوشیده ایم بدون ارم و پرچم مشارکت کنیم. تقریباً در هر کجا که حرکتی شکل گرفته است نیروهای این پروژه در آن حضور موثر داشته‌اند. ما آگاهانه در این دوره تصمیم گرفتیم که در اکسیون‌ها عمدتاً فردی شرکت داشته باشیم. در خیزش اخیر، در اکسیون‌های اول ماه مه، در مراسم بزرگداشت جانباختگان... کادرهای این پروژه فعالانه شرکت موثر داشته‌اند.

### اقدامات ما برای برگزاری کنگره

در زمینه کارهای اجرایی برای برگزاری کنگره، حاصل تلاش‌های ما، جلو روی شماست. تمامی کارهای اجرایی این کنگره، از گرفتن سالن تا تدارک روزهای جلسه تا سازماندهی اعضای شرکت کننده در کنگره، عمدتاً توسط گروه تدارک عملی و فنی کنگره انجام شده است. برای کنگره رای را الکترونیکی کرده ایم و برای انعکاس مباحث آن به علاقمندان، تلاش‌های این گروه کار ادامه دارد تا از امکانات مدرن امروزی استفاده کنیم.

شرکت کنندگانی که تحت عنوان مهمان در کنگره حضور دارند، اعم از سازمانها و احزاب تا افراد مستقل، همگی توسط گروه کار ارتباطات و سازمانی دعوت شده و برای شرکت آنان برنامه ریزی صورت گرفته

است. این گروه کار با بسیاری از فعالان سیاسی نام‌آشنای دوست، نیز تماس گرفته است. که تعدادی از آنان به دلایل مختلف، که عمدتاً درگیر برنامه‌های از قبل تعیین شده خود بودند، نتوانستند در کنگره شرکت کنند. ارزیابی ما این است که حدود 70 تا 80 تن از یاران گرانقدر ما به عنوان مهمان در کنگره حضور یابند و با مشارکتشان ما را برای انجام وظیفه خود دلگرم کنند.

گروه کار تبلیغات و رسانه نیز کار تبلیغی برگزاری کنگره را دنبال نموده و مهمتر از آن سایت به پیش راه اندازی کرده و در این فاصله چند ماهه، تمامی مطالب و مقالات مربوط به این پروژه را با کیفیت خوبی در اختیار علاقمندان قرار داده است. مصاحبه‌ها و میزگردهائی برگزار نموده و منتشر کرده است. اکنون اگر کسی به دنبال محصولات این پروژه باشد، تقریباً همه در این سایت قابل دسترسی است. در مدت کوتاهی که این سایت راه اندازی شده، توانسته است گام‌های بلندی به جلو بردارد.

## ندارک سیاسی، نظری و ساختاری

در زمینه سیاسی گروه کار موضعگیری سیاسی طرحی با همکاری تعدادی از رفقا تهیه کرده است که آخرین نسخه تکمیلی و اصلاحی آن، در دفتر چهارم کنگره موجود است. برای تهیه این طرح، در گروه کار ابتدا بحث و گفتگو روی نگاه به سند سیاسی، محورها و مضامین آن، صورت گرفت. آگاهانه تنظیم آن به دو ماه پیش از برگزاری کنگره محول شد تا آخرین وضعیت سیاسی جامعه در آن بازتاب داشته باشد. پیش نویس اولیه این سند منتشر شد و پس از آن، این طرح در جلسه عمومی پالتاکی سه جریان، به بحث و گفتگو گذاشته شد. مجموعه پیشنهادات و انتقادات به طرح ارائه شده، دوباره مورد بحث قرار گرفت و اکنون متن نهائی در اختیار شماست. پیشنهادهائی که پذیرفته نشده و یا در گروه کار پیرامون آن نظر یکسانی وجود ندارد، در انتهای آن آمده است.

در ارتباط با منشور، تلاش گروه کار سنگین بوده است. از ژوئن 2017 تا کنون این گروه کار 21 جلسه برگزار کرده و پیرامون منشورها، پیشنهادهای دریافتی از درون و بیرون سه جریان را، بررسی کرده و روی مسائل گرهی به بحث و گفتگو نشسته است. پیرامون منشور در چندین جلسه عمومی پالتاکی بحث صورت گرفت. اکنون سه منشور در اختیار کنگره قرار گرفته است. این منشورها به ترتیب زمان ارائه آن‌ها عبارتند از:

1. "دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی"
2. کیستی و باورهای بنیادین «سازمان نوینباد»
3. "به سوی حزب"
4. "برای چپ سوسیالیستی، عدالتخواه و دموکراسی خواه"

با توجه به وجود اشتراکات در منشور اول و سوم، گروه کار منشور تمایل داشت که آن دو، یکی شود و موضوعات مورد اختلاف در صورت ضرورت به عنوان الف و ب در منشور مشترک گنجانده شود. ولی این کار در عمل پیش نرفته است و ما با منشورهای جداگانه مواجه هستیم. این منشورها در کنگره از حقوق برابر برخوردارند.

گروه کار اساسنامه و آئین نامه به سه موضوع: آئین نامه کنگره، اساسنامه و نام سازمان واحد پرداخته است.

پیش نویس اولیه آئین نامه، برای کنگره مشترک، پس از حدود 8 هفته، در اواسط ماه نوامبر سال 2017 میلادی برابر با اواخر آبان ماه 96، تهیه شد. بدنبال بحث در جلسه عمومی پالتاکی روی آئین نامه کنگره، پیشنهادهائی به گروه کار رسید که پس از بحث روی آنها وارد آئین نامه شدند. اکنون آئین نامه برای اظهار نظر کنگره آماده است و در همین شماره دفتر کنگره، منعکس شده است.

پیش نویس اولیه اساسنامه پیشنهادی برای کنگره مشترک نیز، پس از چندین ماه کار روی آن، در سوم ماه فوریه برابر با 14 بهمن ماه، در اختیار فعالان پروژه قرار گرفت و در جلسه عمومی پالتاکی روی آن بحث شد. اصلاحاتی در ارتباط با این طرح پیشنهاد شد. چندین جلسه روی این پیشنهادات در گروه کار اساسنامه بحث شد. اکنون این پیش نویس اساسنامه همراه با اصلاحات، آماده شده و در دفتر کنگره 4 موجود است.

موضوع دیگر در دستور گروه کار اساسنامه، نام تشکل واحد بوده است. بحث روی نام در لیست مشترک از چندین ماه پیش فعال شده است. در جلسه عمومی پالتاکی نیز روی آنها بحث شد. گروه کار تمامی پیشنهادات را جمع آوری نمود. 45 پیشنهاد نام داده شد. نخست گروه کار آنها را دسته بندی کرده به اعضا مراجعه نمود تا رفقای که چند پیشنهاد داده اند، پیشنهاد خود را کم کرده به یک نام برسانند و دوم اینکه نامهای پیشنهادی در صورتی که نزدیکی هائی بهم دارند، تلاش شود پیشنهادهای به هم نزدیک شود. اکنون تعداد پیشنهادات به کمتر از 20 نام رسیده است. در این فاصله مطالب زیادی در رابطه با نام چه در درون و چه در سطح نشریات بیرونی منتشر شده است. تلاش برای نزدیک کردن نامها و کم کردن تعداد پیشنهادات تا آستانه برگزاری کنگره ادامه خواهد یافت. در رابطه با پروسه رای گیری روی نام در کنگره نیز، این پیشنهاد وجود دارد که پس از یک دور بحث اولیه روی نکات کلیدی مربوط به نام، رای گیری روی نام انجام شود.

در صفحات آتی آنچه که از جانب گروه های کار برای تصمیم گیری به کنگره ارائه می شود، از نظر آنان می گذرد.

**محمد اعظمی**

**مسئول هیئت برگزاری کنگره مشترک**

5 فروردین 1397 (25 مارس 2018)

### **پیش نویس آئین نامه کنگره مشترک**

#### **توضیح**

رفقای گرامی با درود به شما!

گروه کار اساسنامه و آیین نامه، پس از چند دور تبادل نظر و رسیدگی به پیشنهادات دریافت شده، نتیجه کار خود روی آیین نامه کنگره مشترک را بشرح زیر در اختیار شما عزیزان قرار میدهد.

یک یادآوری:

- نکته ایی که با رنگ خاکستری آمده، توضیح گروه کار است.

- بندهایی که در نسخه های پیشین با رنگ های دیگر نمایش داده شده بودند، پس از آخرین توافقات در هیئت برگزاری کنگره مشترک و همچنین با نهایی شدن کار روی پیش نویس اساسنامه که بندهایی از آن تماس مستقیم با آیین نامه کنگره داشتند، در این نسخه دیگر وجود ندارند و تدقیق شده اند.

با سپاس از توجه تان و امید به موفقیت همگی ما در برگزاری کنگره مشترک

گروه کار اساسنامه و آیین نامه

## آیین نامه اجرایی برای کنگره مشترک

### فصل اول

#### تعریف ها

۱-۱. کنگره بنیانگذار ( از این به بعد، کنگره)، اولین کنگره... ( در اینجا نام تشکل جدید بعد از تصویب در کنگره مشترک خواهد آمد) است و تصمیمات آن معتبرترین مرجع برای بنیانگذاری تشکل جدید می باشد.

۲-۱. عضو کنگره به هر رفیقی گفته میشود که از طریق «کمیسیون تعیین اعضا» (ارگانی که هیئت برگزاری کنگره مشترک تعیین کرده است) به عنوان عضو به کنگره معرفی می شود.

۳-۱. مصوبات کنگره به تمامی تصمیمات از جمله برگماری ها گفته میشوند که با رای اکثریت اعضای کنگره، به معنایی که در آیین نامه تعریف شده است، اخذ شده باشند.

۴-۱. رای اکثریت یعنی :

(الف) اکثریت مطلق، دارای بیش از ۵۰٪ آرا باشد.

(ب) اکثریت نسبی، دارای بیشترین رای باشد.

(ج) اکثریت موردی، در موارد معین، که در آیین نامه تعریف شده باشد، بکار گرفته میشود.

۱-۴-۱. برای تصمیم گیری در مورد برنامه (منشور) و اساسنامه ۶۰٪ و برای تعیین نام تشکل نو بنیاد ۲/۲ از آرای کنگره ضروری است.

۲-۴-۱. برای تصمیم گیری در مواردیکه در این آیین نامه مشخص نشده باشند، به پیشنهاد هیئت رئیسه از اکثریت قاطع یعنی نصف بعلاوه یک و یا اکثریت نسبی استفاده میشود.

۳-۴-۱. در مورد برگماری ها از رای شکسته ۲/۲ استفاده میشود.

### فصل دوم

#### حقوق اعضای کنگره

۱-۲. هر عضو کنگره حق دارد در تمام نشست های کنگره حضور یابد.

۲-۲. هر عضو کنگره حق دارد از تمامی اسناد کنگره مطلع باشد.

۳-۲. هر عضو کنگره حق دارد در تمام مباحث کنگره شرکت داشته باشد.

۴-۲. هر عضو کنگره حق دارد خود را برای ارگانهای مختلف کنگره و ارگانهای منتخب کنگره در تشکل نو بنیادکاندیدا کند.

۵.۲. هر عضو کنگره حق دارد هر عضو دیگر کنگره را برای عضویت در ارگانهای کنگره و یا در تشکل نوبنیاد کاندیدا کند.

۶.۲. هر عضو کنگره حق دارد در تمامی رای گیری ها شرکت کند.

۷.۲. هر عضو کنگره حق دارد بنا بر آیین نامه کنگره، هر کدام از ارگانهای کنگره را مورد سوال قرار داده و خواهان پاسخگویی باشد.

۸.۲. هر عضو کنگره حق دارد بشکل فردی و یا بشکل جمعی همراه با دیگر اعضای کنگره، پیشنهاد قرار برای تصمیم گیری به کنگره ارائه بدهد.

تبصره: اینگونه قرارها در صورتی در دستور کار کنگره قرار می گیرند که حداقل از پشتیبانی ۳۰ (بیست) درصد اعضای کنگره برخوردار باشند.

### وظایف اعضای کنگره

۹.۲. هر عضو کنگره موظف است آیین نامه کنگره را رعایت کند.

۱۰.۲. هر عضو کنگره موظف است دستور کار تصویب شده کنگره را رعایت کند.

۱۱.۲. هر عضو کنگره موظف است درخواست های هیئت رئیسه کنگره در چارچوب این آیین نامه را رعایت کند.

## **فصل سوم**

### رسمیت کنگره

۱.۳. رسمیت کنگره توسط هیئت برگزاری کنگره مشترک اعلام میشود.

تبصره: حضور مجازی در کنگره محدوده بوده و با تشخیص «هیئت برگزاری کنگره مشترک» ممکن خواهد بود.

۲.۳. برای آغاز کار کنگره و گزینش هیئت رئیسه کنگره، ترکیب هیئت رئیسه سنی توسط «هیئت برگزاری کنگره مشترک» با آمادگی قبلی معرفی میشود.

تبصره: ترجیحاً ۲ نفر از هر تشکل در این ترکیب حضور داشته باشند.

۳.۳. رسمیت کنگره پس از دادن گزارش از طرف هیئت برگزاری کنگره مشترک در خصوص روند تدارک کنگره و عدم مغایرت این گزارش با الزامات مربوطه در آیین نامه کنگره، توسط هیئت رئیسه سنی اعلام میشود.

۴.۳. رای وکالتی تنها در مواردی که هیئت رئیسه کنگره اعلام میکند مجاز است.

### بررسی اعتبار نامه اعضای کنگره

۵.۳. عضویت هر رفیقی که از طرف یکی از سه جریان و از طریق «هیئت برگزاری کنگره مشترک»

به کنگره معرفی شده باشند، معتبر است مگر آنکه مورد اعتراض یک و یا جمعی از رفقا در خود کنگره قرار بگیرد.

۶-۳ - هیئت رئیسه کنگره در آغاز کار خود، کمیسیونی با ترکیب سه نفر از اعضای کنگره را برای بررسی اعتبار نامه های مورد اعتراض تعیین میکند.

تبصره: این کمیسیون در جریان کار کنگره و تا مقطع انتخابات ارگان مرکزی نیز، به تقاضاهای جدید برای عضویت در کنگره رسیدگی کرده و تصمیم می گیرد.

۷-۳. با تأیید نتیجه کار کمیسیون از سوی هیات رئیسه، اعتبار نامه ها نهائی می شوند.

## **فصل چهارم**

### **دستور کار کنگره**

۱-۴. دستور کار کنگره توسط «هیئت برگزاری کنگره مشترک» تنظیم و برای تصویب به کنگره پیشنهاد میشود.

تبصره ۱ : پیشنهادات فی البداهه روی دستور کار، در خود کنگره پذیرفته نمی شوند.

تبصره ۲ : هر آن پیشنهادی که مورد پذیرش هیئت برگزاری کنگره مشترک قرار نگرفته باشد، منوط به اینکه الف) امضای حداقل ۲۰ (بیست) نفر را داشته باشد؛ ب) احتیاج به تدارک مضمونی نداشته باشد، می تواند برای تصمیم گیری به کنگره ارائه گردد.

۲-۴. دستور کار کنگره پس از تصویب، کارپایه کنگره خواهد بود و توسط هیئت رئیسه کنگره پیش برده خواهد شد.

۳-۴. هر نوع ایجاد تغییرمضمونی در دستور کار مصوب، منوط به اینکه امضای حداقل ۲۰ (بیست) نفر را داشته باشد، مستلزم مراجعه به آرای اعضای کنگره و کسب اکثریت مطلق آن میباشد.

## **فصل پنجم**

### **ساختار کنگره**

۵ - ۱ - هیئت رئیسه سنی شامل ۵ تا ۷ نفر بوده و طبق بند ۲ از فصل ۳ معرفی میشود،

۲-۵. وظایف هیئت رئیسه سنی:

۵-۲-۱. گشایش کنگره و خوش آمدگویی،

۵-۲-۲. اعلام رسمیت کنگره طبق بند ۳ از فصل ۳،

۵-۲-۴. برگزاری انتخابات هیئت رئیسه کنگره.

۵-۲. هیئت رئیسه کنگره ۵ تا ۷ نفر خواهد بود که از میان اعضای کنگره با رای مخفی و مستقیم برگزیده میشوند.

۵-۴. حقوق و وظایف هیئت رئیسه کنگره:

۵-۴-۱. به تصویب رساندن آیین نامه کنگره،

۵-۴-۲. اداره جلسات و پیشبرد دستور کار کنگره،

۲-۴-۵. تنظیم زمانبندی مناسب برای این امر و ارائه آن به کنگره،

۴-۴-۵. برگزاری انتخابات برای ارگانهای کنگره مانند کمیسیون های کنگره،

۵-۴-۵. نتایج نهایی نتیجه بررسی اعتبارنامه های اعضای کنگره که مورد اعتراض بوده اند،

۶-۴-۵. رسیدگی به تقاضاهای جدید برای عضویت در کنگره،

۷-۴-۵. تعیین منشیان کنگره برای تهیه صورت جلسات کنگره،

۸-۴-۵. تهیه گزارش از روند کار و انتقال نتایج و اسناد کنگره به ارگان های منتخب کنگره،

۹-۴-۵. برقراری ارتباط میان کنگره با خارج از آن،

۱۰-۴-۵. اداره تمام امور فنی، تدارکاتی و رفاهی کنگره،

۱۱-۴-۵. تهیه گزارش کنگره برای انتشار بیرونی،

۱۲-۴-۵. نظارت بر کار و هدایت کمیسیون های کنگره،

۴-۱۳. برگزاری انتخابات برای ارگانهای مرکزی تشکل نویناد و نظارت بر شمارش آرای مربوطه،

۱۴-۴-۵. تضمین حقوق اعضا و کنگره، چه در امر مشارکت و چه در نیل به تصمیم.

#### ۵.۵. کمیسیون های کنگره

۱-۵.۵. کمیسیون های کنگره بنا بر نیازها تشخیص هیئت رئیسه کنگره و یا اینکه با پیشنهاد اعضای کنگره مشروط به امضای حداقل ۲۰ (بیست) نفر از اعضای کنگره، برای رسیدگی به یک و یا چند مورد از دستور کار کنگره و نیز انتظام دادن به پیشنهادهای ارائه شده و تنظیم و تدوین نهایی اسناد جهت ارائه به کنگره تشکیل می شوند.

۲-۵.۵. اعضای کمیسیون ها از میان اعضای کنگره و با رای مخفی و مستقیم آنها انتخاب میشوند.

تبصره: برای عضویت در کمیسیون ها، هریک از کاندیداها میبایست بیش از ۳۰ درصد از آرای کنگره را کسب کنند.

۳-۵.۵. هر کمیسیون از میان اعضای خود یک رفیق را بعنوان مخیر انتخاب میکند.

۴-۵.۵. تعداد اعضای هر کمیسیون حداقل ۳ نفر و حداکثر ۷ نفر است.

۶-۵.۵. پیشنهادات رسیده به کمیسیون در صورتی مورد بحث کمیسیون قرار خواهند گرفت که حداقل از پشتیبانی یک سوم اعضای کمیسیون برخوردار باشند، در کمیسیون های ۵ نفره، ۲ نفر و در کمیسیون های ۷ نفره، ۳ نفر.

۷-۵.۵. پیشنهاداتی که از پشتیبانی اکثریت کمیسیون برخوردار باشند یا بعنوان آلترناتیو در کمیسیون مطرح باشند، با حقوق برابر برای رای گیری به کنگره ارائه خواهند شد.

۵-۸. تصمیمات در کمیسیون ها با اکثریت مطلق آرا اتخاذ میشوند.

۵-۹. کمیسیون ها موظفند ضمن دسته بندی پیشنهاداتی که مورد پذیرش قرار نگرفته اند، آنها را به کنگره گزارش کنند.



۵.۵-۱. پیشنهادهایی که در کمیسیون پذیرفته نشده و یا با انکا به بند ۶.۵.۵- در دستور کار قرار نگرفته اند، در صورت داشتن پشتیبانی حداقل یک پنجم اعضای کنگره، می توانند با حقوق برابر با تصمیمات کمیسیون، بعنوان پیشنهاد بدیل برای رای گیری به کنگره ارائه شوند.

۵.۵-۱۱. کمیسیون در زمان مناسب قبل از بررسی طرح در صحن کنگره، نظر خود را مستقیماً به پیشنهاد دهندگانی که مشمول بند ۱۱.۵.۵- میشوند، اعلام میکند.

#### ۱۲.۵.۵- نحوه رسیدگی کمیسیونها به پیشنهادها:

برای تأمین کیفیت مطلوبی از تدارک، پیشنهاد این است که کمیسیونها روند تدارک زیر را در برخورد به پیشنهادها در یافتی پیشه کنند.

الف) تعیین موضع کمیسیون نسبت به پیشنهادها: خروجی این مرحله تعدادی پیشنهاد پذیرفته شده و تعدادی پیشنهاد پذیرفته نشده اند. توضیح: منظور از کمیسیون، اکثریت مطلق اعضای آن است و اعضای از کمیسیون که موضع دیگری نسبت به این یا آن پیشنهاد دارند، مشمول مراحل بعدی اند.

- تعیین مرتبه پیشنهادها پذیرفته نشده به پیشنهادها ادیتی، فرعی و پایه ای، پیشنهادها ادیتی الزاماً محدود به مقررات شیوه نگارش نیست. نمونه: بنیانگذاری و تأسیس. پیشنهاد پایه ای می تواند به معنای یک سند کامل آلترناتیو باشد یا مفهومی پایه ای در این یا آن سند. مثلاً "حذف کلمه سوسیالیسم در هر کجای یک سند".

ج) مذاکره با پیشنهاددهندگان در باره پیشنهادها و در باره مرتبه آنها.

د) رسیدگی به پیشنهادها ادیتی در اختیار کمیسیون است. پیشنهادها فرعی پس از یک نوبت بحث مخالف و موافق به رأی کنگره گذاشته می شوند. پیشنهادها پایه ای پس از دو نوبت بحث مخالف و موافق به رأی کنگره گذاشته می شوند.

ه) به هنگام رسیدگی به پیشنهاد در کنگره، پیشنهاددهنده، به عنوان موافق، همواره حق محفوظ دارد و همچنین حق واگذار کردن این حق خود به یک رفیق دیگر.

و) کمیسیون، به عنوان مخالف، همواره حق محفوظ دارد و همچنین حق واگذار کردن حق خود به رفیق دیگر.

ز) بستن تصریح شده هر مرحله از رسیدگیها.

#### ۵.۶-وظایف مخیر کمیسیون:

۵.۶-۱. فراخواندن و اداره جلسات کمیسیون،

۵.۶-۲. هماهنگی با هیئت رئیسه کنگره.

۵.۶-۳. تنظیم گزارش از کارکرد کمیسیون و ارائه آن به کنگره.

۵.۶-۴. تضمین رسیدگی به کلیه پیشنهادها

۵.۷- منشی های جلسات کنگره که دو نفر در هر نوبت بوده و توسط هیئت رئیسه کنگره تعیین میشوند، عهده دار نسخه برداری از روند کار، درج تصمیم ها و نتایج رای گیری ها خواهند بود.

توضیح: مذاکرات و سخنرانی های کنگره ضبط خواهند شد و منشی ها ملزم به یادداشت برداری از آنها نیستند.

## فصل ششم

### ۱-۶- اسناد و طرح های کنگره

۱-۶-۱- پیشنهاد طرح سند منشور که تا دو هفته قبل از تشکیل کنگره، ارائه شده و در دسترس اعضای کنگره باشند.

۱-۶-۲- پیشنهاد طرح سند اساسنامه که تا دو هفته قبل از تشکیل کنگره ارائه شده و دسترس اعضای کنگره باشند.

۱-۶-۳- پیشنهاد طرح سند سیاسی نیز تابع شرایط نامبرده در بندهای فوق است.

۱-۶-۴- پیشنهاد طرح آیین نامه کنگره مشترک نیز تابع شرایط نامبرده است.

### ۲-۶- قرار های کنگره

پیشنهاداتی هستند که در مورد خاص و بشکل تک موضوعی برای تصمیم گیری از قبل و یا در جریان کنگره ارائه میشوند.

تبصره ۱: قرارهایی که توسط هیات رئیسه و یا اینکه با پیشنهاد اعضای کنگره مشروط به اینکه امضای حداقل ۲۰ (بیست) نفر را داشته باشند، می توانند در دستور کار کنگره قرار گیرند.

### ۳-۶- رسیدگی به طرح های کنگره

۳-۶-۱- هیئت رئیسه کنگره بنا بر دستور کار، طرح های موجود را بنوبت در دستور قرار میدهد.

۳-۶-۲- برای بررسی هر طرحی که در دستور قرار بگیرد، هیئت رئیسه کنگره بنا بر تشخیص به یک یا دو نفر برای صحبت در مورد طرح وقت اختصاص میدهد.

تبصره ۲: برای صحبت در مورد طرح ها، تقدم ترجیحاً با رفقایی است که از قبل موضوع و جایگاه سخنان خود را به هیئت برگزاری کنگره مشترک، کتباً اعلام کرده باشند

۳-۶-۳- در صورت تعدد طرح ها، سند مینا با رای اکثریت نسبی اعضای کنگره تعیین میشود.

تبصره ۱: اختلاف آرای اخذ شده میان سند مینا و سند ماقبل آن نباید کمتر از ۱۰ (ده) رای باشد.

تبصره ۲: پس از تعیین سند مینا، سایر سندها از دستور کار کنگره خارج میشوند.

۳-۶-۴- برای رسیدگی به هر طرح پیشنهادی، یک موافق و مخالف صحبت خواهند کرد.

تبصره ۱: اعضای کنگره می توانند پیش از سخنان موافق و مخالف، تقاضای کفایت بحث و یا در صورت نیاز تقاضای صحبت یک موافق و مخالف دیگر بکنند. هیئت رئیسه کنگره در پذیرش این درخواست ها مختار است.

تبصره ۲: در ایراد سخنان موافق و مخالف، تقدم ترجیحاً با رفقای است که از قبل موضوع و جایگاه سخنان خود را به هیئت برگزاری کنگره مشترک، کتباً اعلام کرده باشند.

۶-۳-۵. در دفاع از هر طرح در صورت تعدد موافقین، حق دفاع از یک طرح با پیشنهاد دهنده است.

۶-۳-۶. تقدم در ایراد سخنرانی با مخالف است.

۶-۳-۷. ارائه طرح جامع جدید در کنگره مجاز نیست.

۶-۳-۹. ارائه پیشنهادهای تکمیلی، تدقیقی و اصلاحی بشکل تک موضوعی روی طرح های از قبل ارایه شده، در کنگره مجاز است.

## فصل هفتم

۷-۱- انتخاب ارگان های هدایتگر در تشکل جدید.

بنابر اساسنامه پیشنهادی و پس از تصویب آن پیش برده خواهد شد.

## فصل هشتم

۸-۱- مهمانان کنگره

۸-۱-۱. مهمانهای کنگره محق اند که در تمام مباحث کنگره شرکت داشته باشند.

۸-۱-۲. مهمانهای کنگره محق اند با اعلام تمایل و با داشتن رای مشورتی به عضویت کمیسیون های کنگره در آیند.

.....

این آیین نامه با هشت فصل و هشتاد و شش بند و دوازده تبصره و یک توضیح پس از تبادل نظر و نظرخواهی در میان اعضای بنیانگذار جهت تصویب نهایی به کنگره مشترک ارایه شده و با...رای به تصویب رسید.

.....

## پیش نویس منشورها

### گزارش گروه کار منشور به کنگره مشترک

گروه کار منشور کار خود را در ماه ژوئن سال ۲۰۱۷ شروع کرد. گروه کار از آن زمان تا آستانه کنگره، ۲۱ جلسه برگزار کرده و پیرامون منشورها، پیشنهادهای دریافتی از درون و بیرون سه جریان و مسائل گرهی به بحث و گفتگو نشسته است. گروه کار از ابتدا برای پیشبرد کارش کمیسیون ۳ نفره تشکیل داد و کمیسیون جلسات متعددی برگزار کرد تا کار تصمیم گیری گروه را تسهیل نماید. در اوائل سال ۲۰۱۸ گروه کار با داوطلبی چند رفیق تکمیل شد.

اکنون سه منشور زیر برای کنگره ارائه شده است. این منشورها قبلاً انتشار یافته است. عناوین منشورها به ترتیب زمان ارائه آن‌ها به گروه کار:

۱. "دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی"

۲. کیستی و باورهای بنیادین «سازمان نویناد»

۳. "به سوی حزب"

۴. "برای چپ سوسیالیستی، عدالتخواه و دموکراسی خواه"

منشور اول همراه با چند پیشنهاد است که در زیر متن منشور آمده است.

با توجه به وجود اشتراکات در منشور اول و سوم، گروه کار منشور تمایل داشت که آندو یکی شود و موضوعات مورد اختلاف در صورت ضرورت به عنوان الف و ب در منشور مشترک گنجانده شود. گروه کار در این رابطه یک جلسه حضوری برگزار کرد و کمیسیون ۵ نفری را هم برای تهیه منشور مشترک برگزید. کمیسیون جلسه تشکیل داد و یکی از اعضا آن قرار شد پیش‌نویسی تهیه و در اختیار کمیسیون قرار دهد. پیش‌نویس تهیه شد و در اختیار اعضای کمیسیون قرار گرفت و خواسته شد که نسبت به پیش‌نویس نظر دهند. ولی نظری داده نشد و تلاش‌های گروه کار به نتیجه نرسید.

گروه کار روی شیوه بررسی منشورها در کنگره کار کرده و پیشنهاد خود را در اختیار هیئت رئیسه کنگره قرار خواهد داد.

گروه کار منشور

۱۸ مارس ۲۰۱۸

در صفحات آتی منشورهای نامبرده از نظراتان می‌گذرند.

### **دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی**

کشور ما نیازمند تحول دموکراتیک در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و توسعه پایدار است. توسعه پایدار مستلزم تامین آزادی و استقرار دموکراسی، غلبه بر فقر و بیکاری و کاهش فاصله طبقاتی است. ما - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (طرفداران وحدت چپ) و کنشگران چپ - در پاسخ به این الزامات، تشکل چپ دموکرات و سوسیالیستی را پی می‌ریزیم.

### **دیدگاه و ارزش‌های ما**

۱. صلح، آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، دموکراسی، برابر حقوقی زن و مرد، تنوع سبک زندگی، رفع تبعیض‌های طبقاتی، ملی - قومی و مذهبی و حفظ محیط زیست، از اصول پایه‌ای برنامه و جزو ارزش‌های ما هستند. ما از حقوق، منافع و مطالبات کارگران، مزدبگیران و تهیدستان در مقابل تعرض سرمایه دفاع می‌کنیم.

۲. ما طرفدار دموکراسی و مخالف هر گونه استبداد و دیکتاتوری هستیم و حاکمیت را ناشی از اراده آزاد مردم و برای مردم می‌دانیم، به رای و انتخاب آزادانه مردم، به حاکمیت قانون، به محدودیت زمانی قدرت و پلورالیسم سیاسی پای بندیم. ما برای تعمیق و گسترش دموکراسی انتخابی به دموکراسی مشارکتی و مستقیم در اشکال مختلف از جمله خودگرانی و خودمدیریتی مبارزه می‌کنیم.

۳. ما جزئی از جنبش جهانی چپ هستیم و ضمن ارج گذاری بر دستاوردهایش، با نقد نظری و تجربی این جنبش، به این باور رسیده‌ایم که سوسیالیسم و دموکراسی در هم تنیده‌اند. سوسیالیسم مورد نظر ما محصول روندی است آگاهانه برای دستیابی به جامعه مطلوب و انسانی که به مثابه یک فرآیند با ایجاد و گسترش ارزشهای سوسیالیستی و مشارکت نیروهای باورمند به این ارزش‌ها، شکل می‌گیرد.

### **سرمایه داری و فرآیند جهانی شدن**

۴. تداوم بحران‌های ادواری و ساختاری سرمایه‌داری جهانی همراه با نیاز حیاتی آن به توسعه جهان‌گستر برای سودآوری هر چه بیشتر، از دهه هشتاد سده گذشته مرحله جدیدی را در سرمایه‌داری، همراه با سلطه بیشتر سرمایه مالی، موجب شده است. ما مخالف سرمایه‌داری هستیم و براین باوریم که سرمایه‌داری آخرین نظام اقتصادی - اجتماعی و پایان شکل‌بندی تاریخی و محتوم نیست. تلاش بشریت برای دستیابی به جامعه مطلوب ادامه دارد.

۵. ما معتقدیم جهانی شدن، مشخصه اصلی دوران ما است که در همه ابعاد حیات بشری جریان دارد. طی این فرآیند ارزش‌هایی همانند صلح، آزادی، برابری، دموکراسی، حقوق بشر و همبستگی بیش از پیش به ارزش‌های مورد پذیرش در سطح بین‌المللی تبدیل می‌شود. دستاوردهای جهانی شدن، می‌تواند در خدمت جامعه بشری و در راستای آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی قرار گیرند و فرصت‌های جدیدی را در اختیار همه قرار دهند. ما مخالف جهانی‌سازی نئولیبرالیستی هستیم که از جانب جریان‌های راست نو، دولت‌های محافظه‌کار، شرکت‌های فراملیتی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که بدون مشارکت، نظارت و مداخله دموکراتیک اکثریت عظیم مردمان جهان و به نفع اقلیت ثروتمند و به زیان اکثریت جامعه بشری به پیش برده می‌شود. ما برای "جهانی بهتر" مبارزه می‌کنیم.

### **جمهوری اسلامی و گذار از آن**

۶. جمهوری اسلامی نظامی است مستبد، سرکوبگر و دشمن حقوق بشر و دموکراسی که در اساس با تکیه به رانت نفتی، اتکاء به ارگان‌های امنیتی، نظامی و تبلیغی به سلطه سیاسی خود تداوم می‌بخشد. جمهوری اسلامی با تلفیق دین و دولت و ساختار مبتنی بر ولایت فقیه و قانون اساسی تبعیض آمیز مبتنی بر شیعه اثنی‌عشری، مانع اعمال اراده آزاد مردم و حق انتخاب آنان برای تعیین سرنوشت خویش و سد راه پیشرفت و تحول دموکراتیک در جامعه ایران است.

۷. ما برای گذار از جمهوری اسلامی به یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دولت و دین مبارزه می‌کنیم. گذار از جمهوری اسلامی نیازمند سازمان‌یابی و به میدان آمدن کارگران، مزد و حقوق‌بگیران، تهیدستان، طبقه متوسط جدید و نیروهای آزادی‌خواه و دمکرات است. روش راهبردی ما برای گذار، بر مبارزات دموکراتیک مردم، جنبش‌های اجتماعی، نهادهای مدنی، جنبش دموکراتیک ملیت‌ها و اقوام ساکن ایران، بسیج پایگاه اجتماعی چپ در میان کارگران، زحمتکش‌ها و مزد و حقوق‌بگیران و فرهنگ‌سازان جامعه استوار است. همراهی نیروهای سیاسی آزادی‌خواه می‌تواند با تغییر توازن قوای کنونی، گذار به یک جامعه آزاد و عادلانه را هموار سازند.

۸. تلاش برای نزدیک کردن نیروهای جمهوری خواه، دموکرات و سکولار جهت شکل دادن به یک ائتلاف گسترده سیاسی میان آنان برای گذار به دموکراسی، از مولفه های اصلی استراتژی سیاسی ماست. سیاست ما در این راستا بر اتحاد گسترده با دیگر نیروهای چپ و سوسیالیست، ائتلاف با نیروهای آزادی خواه حول جمهوریت و جدائی دین و دولت است. ما طرفدار مبارزه مسالمت آمیز هستیم و از ابتکارات مردم با توجه به شرایط و سطح رشد مبارزات مدنی آن ها حمایت می کنیم. چگونگی گذار از جمهوری اسلامی و کاربست اشکال گوناگون مبارزاتی، به نحوه برخورد جمهوری اسلامی با اراده و خواست مردم برای تغییر ساختار سیاسی بستگی دارد.

۹. از دیدگاه ما، انتخابات آزاد و منصفانه یکی از قواعد اساسی نظام دموکراتیک است. مبارزه برای برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه به عنوان شعار فراگیر، بسیج گر و پوشش دهنده نیروهای مخالف و منتقد جمهوری اسلامی، وجهی از استراتژی ماست. انتخابات آزاد و منصفانه مشروط به تامین آزادی فعالیت احزاب مخالف، تشکل ها و انجمن ها، آزادی مطبوعات و مبادله اطلاعات است.

۱۰. قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی عمدتاً در دست ولی فقیه، سپاه، نهادهای امنیتی و نیروهای راست افراطی به رهبری ولی فقیه متمرکز شده است. ما بر تمرکز مبارزه علیه ولایت فقیه به عنوان رکن اصلی این نظام تاکید داریم. ما در شکاف موجود بین وجه ولایت و جمهوریت نظام، بر تقویت جمهوری خواهی تاکید داریم و تعمیق یافتن شکاف های درون حکومتی در مواجهه با مطالبات جامعه را، به سود مبارزه مردم علیه حاکمیت استبدادی می دانیم. به باور ما عقب نشاندن حکومت در این و یا آن حوزه به سود روندهای دموکراتیک و تامین مطالبات مردم، گامی است به جلو در مبارزه علیه استبداد دین سالار.

۱۱. ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی راه اصلاحات را مسدود کرده است. گفتمان اصلاحات راهگشا نیست و اصلاح طلبان حکومتی نشان دادند که راهکاری برای برون رفت کشور از وضعیت بحرانی ندارند. رویکرد بخشی از آن ها، حفظ و بسط موقعیت خود در جمهوری اسلامی است. اصلاح طلبان حکومتی روند تجزیه میان حفظ نظام و تحول خواهی را طی می کنند. موضع ما در مورد این جریان نقد نگاه و مواضع آن ها است. ما ضمن تاکید بر تدوین قانون اساسی جدید توسط مجلس موسسان منتخب مردم، تغییرات در قانون اساسی موجود در راستای محدود شدن دامنه اختیارات و عملکرد دستگاه ولایت فقیه و نهادهای انتصابی و تغییر در توازن قوا در جهت تقویت نقش و تاثیر جامعه مدنی و نهادهای انتخابی را مثبت تلقی می کنیم.

۱۲. نظام پیشنهادی ما، نظام سیاسی - اجتماعی دموکراتیک در شکل جمهوری است. جمهوری مورد نظر ما مبتنی بر حق رای آزاد و همگانی، پای بندی به قانونیت و بر اصل جدائی دولت و دین، تفکیک قوای سه گانه، استقلال رسانه ها، تناوب قدرت و انتخابی بودن مقامات، نفی حکومت دینی و مسلکی، ساختار سیاسی و اداری غیرمتمرکز و پلورالیسم استوار است. در این جمهوری مذهب و ایدئولوژی رسمی وجود ندارد. همه مذاهب و باورهای مردم مورد احترام است. ما بر انطباق قانون اساسی جدید کشور بر منشور جهانی حقوق بشر و ملحقات آن تاکید داریم. در جمهوری مورد نظر ما، حکم اعدام، شکنجه و مجازات های مغایر با کرامت انسانی ممنوع است.

۱۳. لازمه گذار به دموکراسی و تحکیم آن، گذار از جمهوری اسلامی، انحلال دستگاه های ویژه سرکوب مردم، ایجاد تغییرات در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، تامین آزادی و عدالت اجتماعی و توسعه پایدار است. برای تامین این امر، ضروری است به مالکیت نامتعیین واحدهای اقتصادی وابسته به ولی فقیه، سپاه و روحانیت پایان داده شود، مالکیت این واحدها به بخش های دیگر اقتصادی انتقال یابد و دارائی کسانی که ثروت های کشور را با رانت خواری، فساد و قاچاق غارت کرده اند، مورد حسابرسی قرار گیرد.

۱۴. ما از آزادی سازمانیابی گروه‌های اجتماعی، تشکیل سندیکاها، کارگری، تشکلهای صنفی و سازمان‌های غیردولتی و فعالیت آزادانه احزاب سیاسی، آزادی رسانه‌ها، گردش آزادانه اطلاعات و حق دسترسی مردم به آن، آزادی عقیده، بیان، مذهب، هنر، ادبیات، برگزاری اجتماعات و تظاهرات دفاع می‌کنیم و بر تامین حقوق کار، حق اعتصاب و انعقاد قراردادهای دسته جمعی، حق بیکاری و تضمین اشتغال و بر حق هر شهروند در دسترسی به آموزش رایگان، بهداشت، مسکن مناسب، تامین اجتماعی همه جانبه و فراگیر شامل بیمه‌های درمانی، بیکاری، از کارافتادگی و توسعه کارآفرینی و توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد جامعه، پای می‌فشاریم.

۱۵. استقرار دموکراسی در کشور، مستلزم تامین برابر حقوقی زنان و مردان است. به باور ما قانون اساسی، قوانین مدنی، کیفری و جزائی، باید برای زنان کشور در همه زمینه‌ها حقوق برابر با مردان را تضمین و با هر گونه اعمال "خشونت علیه زنان"، در حوزه‌های خصوصی و عمومی مقابله نمایند. ما از شکل‌گیری، گسترش و تحکیم "سازمان‌های غیردولتی زنان" و جنبش‌های مستقل زنان حمایت می‌کنیم و تقویت آنها را به سود تامین حقوق و مطالبات زنان و گسترش دموکراسی می‌دانیم.

۱۶. جهان و کشور ما با یک بحران بزرگ زیست‌محیطی روبروست. شرایط حیات در کره زمین بر اثر رشد انفجارگونه جمعیت، تغییرات ناشی از تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو زمین، تخریب اکوسیستم و آلودگی‌های فزاینده محیط زیست، بهره‌برداری غارتگرانه، بدون آینده‌نگری و با نگرش حداکثر سودآوری تولید سرمایه‌داری از منابع طبیعی، استفاده از انرژی فسیلی و الگوی مصرفی موجود، مورد مخاطره جدی قرار گرفته است. در کشور ما از یک سو، منابع طبیعی، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آب‌های زیرزمینی رو به خشکی و کشاورزی و دامداری رو به نابودی است و از سوی دیگر، انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی به ویژه آلودگی هوا، حیات مردم را به طور فزاینده‌ای با خطرات جدی مواجه کرده است. برای خروج از این بحران، کشور ما نیازمند اقدامات بنیادین است.

۱۷. اعمال تبعیضات ملی - قومی در کشور و تمرکزگرایی در آن، از مشخصه‌های جمهوری اسلامی است. چند ده میلیون ترک آذری، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و... از برابر حقوقی ملی محرومند و حق کاربرد رسمی زبان و فرهنگ خود را ندارند. ما با تاکید بر ضرورت اداره امور هر منطقه به دست ساکنان آن، برآنیم که همه شهروندان ایرانی از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار شوند. دولت در ایران موظف است امکانات لازم برای شکوفایی همه زبانهای کشور را فراهم آورده و به جبران عقب‌ماندگی‌های ناشی از دهه‌ها اعمال تبعیض اقتصادی و فرهنگی برخیزد. برابر حقوقی ملی، لازمه تامین انسجام ملی در کشور و از الزامات دولت دمکراتیک، سکولار و مدرن در کشور است.

۱۸. مبانی سیاست خارجی برتامین منافع و مصالح ملی، طرفداری از یک سیاست خارجی مستقل مبتنی بر صلح و دوستی میان کشورها، دوستی و همکاری با کشورهای همسایه، عدم تعهد به پیمان‌های نظامی در سطح جهان، مخالفت با دخالت‌ها و تعرضات سیاسی و نظامی از سوی قدرتهای خارجی در امور داخلی ایران، مبارزه برای برقراری صلح و منع تولید و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی در سطح منطقه و جهان، دفاع از موجودیت دو دولت فلسطین و اسرائیل و حمایت از مبارزات آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه در سراسر جهان استوار است. سیاست خارجی ایران باید در خدمت تولید ثروت و گسترش تجارت قرار گیرد.

## پیشنهادها

- در بند ۴ به جای "مخالف سرمایه‌داری" نوشته شود: "ناقد سرمایه‌داری و مناسبات اقتصادی حاکم بر آن"

- در بند ۴ به جای "ما مخالف سرمایه‌داری هستیم" نوشته شود: "ما مخالف سیستم سرمایه‌داری هستیم".

- پیشنهاد اضافه شدن این بند به منشور: "از ویژگی‌های سرمایه‌داری ایران در دوره جمهوری اسلامی، رشد ناموزون، تقویت خصلت تجاری، تشدید رانت‌خواری و فساد، رواج گسترده اقتصاد زیرزمینی، شکل‌گیری بنیادهای خارج از نظارت و کنترل دولت، تبدیل شدن سپاه پاسداران به یک مجموعه بزرگ اقتصادی و کنترل مسقیم و غیر مستقیم بخش مهمی از اقتصاد توسط نهاد ولایت فقیه است. در جمهوری اسلامی بخش مهمی از اقتصاد کشور در دست دولت و نهادهای شبه دولتی رانت‌خوار است"

- پیشنهاد اضافه شدن این بند به منشور: "ما برتامین رفاه اجتماعی تاکید داریم. ما ضمن حمایت از مالکیت دولت بر واحدهای استراتژیک اقتصادی، مخالف تمرکز قدرت و مالکیت در دست دولت و یا لایه نازکی از جامعه بوده و مدافع سیاست‌های اقتصادی معطوف به شکل‌گیری و گسترش بخش تعاونی و بخش خصوصی مدرن، کارآفرین و رقابتی هستیم. ما از سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف اقتصاد حمایت می‌کنیم. تلفیق سازوکار برنامه‌ریزی دولتی و بازار و جلوگیری از انحصار و ایجاد فضای رقابتی، بعنوان مکانیزم‌های تنظیم‌کننده اقتصاد، جزئی از سیاست‌های کلان اقتصادی ما می‌باشد."

- این جمله از بند ۸ حذف شود: "چگونگی گذار از جمهوری اسلامی و کاربست اشکال گوناگون مبارزاتی، به نحوه برخورد جمهوری اسلامی با اراده و خواست مردم برای تغییر ساختار سیاسی بستگی دارد."

- در بند ۱۱ این جمله حذف شود: "گفتمان اصلاحات راهگشا نیست و اصلاح‌طلبان حکومتی نشان دادند که راهکاری برای برون‌رفت کشور از وضعیت بحرانی ندارند. رویکرد بخشی از آن‌ها، حفظ و بسط موقعیت خود در جمهوری اسلامی است. اصلاح‌طلبان حکومتی روند تجزیه میان حفظ نظام و تحول خواهی مردم را طی می‌کنند." و به جای آن نوشته شود: "اصلاح‌طلبان حکومتی با چالش‌های جدی مواجه شده و نتوانسته‌اند به مطالبات مردم پاسخ گویند. گفتمان اصلاحات احتیاج به یافتن راهکارهای تغییر ساختارها برای راهگشایی اصلاحات دارد."

- در بند ۱۷ به جای "همه شهروندان ایرانی از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار شوند" نوشته شود: "همه شهروندان ایرانی از حق آموزش زبان مادری برخوردار شوند".

- در بند ۱۷ این جمله حذف شود: "و حق کاربرد رسمی زبان و فرهنگ خود را ندارند"



## کیستی «سازمان نوینباد»

(۱) «سازمان نوینباد» با مشارکت «سازمان اتحاد فداییان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ»، «سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت» و «کنش‌گران چپ» بنیان‌گذاری می‌شود. «سازمان نوینباد» بخشی از مجموعه جنبش‌های عدالت‌خواهانه در تاریخ سرزمین کهن ایران و بخشی از جنبش تاریخی چپ ایران است.

### راستاهای آماجی، دیدگاهی، برنامه‌ای

(۲) «سازمان نوینباد» یک سازمان صلح‌دوست، دادپژوه، آزادی‌خواه و باورمند به مردم‌سالاری است. هدف «سازمان نوینباد» برپایی جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های هم‌پیوند آزادی و دیگر مصادف‌های حقوق بشر، مردم‌سالاری، عدالت اجتماعی، پیشرفت و رفاه مردم ایران است. «سازمان نوینباد» در راه برابری و برابرقوی همه مردم ایران، همه زنان و مردان ایرانی، فارغ از هر گونه تعلق آنان، و برای رفع هر گونه تبعیض و ستم مبارزه می‌کند و به رشد و توسعه هم‌خوان با نیازهای زیست بوم باور دارد.

(۳) «سازمان نوینباد» مدافع اقتصاد مولد و انسان‌محور و مخالف برنامه‌های مبتنی بر ریاضت اقتصادی و خصوصی‌سازی بخش‌های اقتصادی مرتبط با تأمین و تضمین نیازهای بنیادین هستی مردم است. «سازمان نوینباد» خواهان تحول در نظام بانکی در راستای حذف بهره، به عنوان اساسی‌ترین ابزار کسب سود و انباشت و تمرکز سرمایه و دارایی، تشدید نابرابری و افزایش شکاف میان فقیر و غنی و جایگزینی آن با کارمزد است. نظام بانکی باید در خدمت سرمایه‌گذاری مولد و اشتغال‌توده‌های مردم باشد.

(۴) «سازمان نوینباد» میانی حاکمیت و قوانین اجتماعی را امری برگرفته از عرف و اندیشه بشری می‌داند و باور به حاکمیت غیرمتمرکز برگرفته از حضور و اعمال اراده حداکثری و حتی‌الامکان مستقیم مردم و به قانونیت مبتنی بر میانی مردم‌سالاری و حقوق بشر دارد. «سازمان نوینباد» معتقد به برپایی نظامی است که در آن مردم در هر سطح از سطوح جامعه با رعایت میانی و موازین حقوق بشر در باره نحوه زندگی و تنظیم امور هستی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خود اعمال اراده حداکثری و حتی‌الامکان مستقیم می‌کنند. همچنین «سازمان نوینباد» به حق تعیین آزادانه سبک زندگی هر فرد در چارچوب قوانین مردم‌سالارانه اعتقاد دارد.

(۵) نظام سرمایه‌داری مالی جهانی‌شده کنونی که توسط نهادهای رسمی علنی و محافل قدرتمند مخفی با سازوکار بازارهای مالی در خدمت انباشت سرمایه، سود و دارایی در دست شمار بسیار محدودی از صاحبان سرمایه مدیریت می‌شود، در تضاد با منافع اکثریت عظیم مردم جهان است و الزاماً به تهی کردن حق حاکمیت مردم از مضمون خود، جنگ، ویرانی، چپاول، نابرابری، فقر، غارت، همه انواع تبعیض و نیز نابودی زیست بوم مناسب برای ادامه حیات بشر و گونه‌های جانوران و گیاهان منجر می‌شود.

(۶) برپایی جهانی مبتنی بر ارزش‌های انسان‌محور «سازمان نوینباد» منوط به غلبه بر سرمایه‌داری است. «سازمان نوینباد» بخشی از جنبش و پیکار جهانی با همه نظام‌های غارت‌محور و مخالف نظام حاکم سرمایه‌داری در همه اشکال آن است.

(۷) «سازمان نوینباد» تجلی و تحقق آرمان‌های خود را در «سوسیالیسم» می‌داند. سوسیالیسم مجموعه‌ای است پیوسته از سه‌گانه ارزش‌ها، جنبش‌ها و جامعه سوسیالیستی و مبارزه‌ای است آگاهانه و جاری برای غلبه بر همه نظام‌های غارت‌گر و چپاول‌محور.

(۸) ساختار سیاسی مورد نظر «سازمان نوینباد» ساختاری مبتنی بر حق انتخاب آزادانه مردم، کثرت‌گرایی و محدود بودن زمانی همه مقام‌های حکومتی و منصب‌های مبتنی بر نمایندگی مستقیم یا غیرمستقیم

مردم است. «سازمان نوینباد» مخالف استبداد، حکومت کیش‌بنیان (ایدئولوژیک)، تمرکزگرایانه و موروثی و هر ساختار حکومتی است که برای یک گروه اجتماعی موقعیتی ویژه در آن تعبیه شده باشد.

۹) خواست «سازمان نوینباد» حفظ آزادانه و داوطلبانه یک‌پارچگی سرزمینی ایران و تأمین وسیع‌ترین حد ممکن اعمال اراده غیرمتمرکز و مستقیم مردم در همه مناطق کشور و تأمین و تضمین برابرقوقی گروه‌های مختلف قومی و دینی - عقیدتی در سراسر کشور است.

۱۰) باور «سازمان نوینباد» تأمین و تضمین امکانات آموزشی برابر برای همه کودکان، نوجوانان و جوانان صرف نظر از خاستگاه طبقاتی، اقتصادی، قومی و اجتماعی آنان و اختصاص هزینه بسنده برای نظام آموزشی عمومی با هدف کشف و شکوفایی استعداد یکایک فرزندان ایران است. «سازمان نوینباد» برای تحقق این پیش‌شرط معتقد به برپایی نظام آموزشی رایگان در تمام سطوح آن و مخالف هر حدی از خصوصی‌سازی در نظام آموزشی است.

### راستاهای راه‌بردی و منش مبارزه سیاسی

۱۱) نزدیک به چهار دهه است که در میهن ما ایران، نظام جمهوری اسلامی حاکم است. جمهوری اسلامی، نظامی است دین‌سالار و ولایی، سرمایه‌دارانه، تبعیض‌آمیز، استبدادی و امنیتی که در دوران حیات خود فساد را در همه شریان‌های میهن ما شیوع داده است. ولایت فقیه به عنوان عمود خیمه نظام در تضاد و تناقض آشکار با مردم‌سالاری و حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش است. «سازمان نوینباد» مبانی و ساختار نظام جمهوری اسلامی را در تضاد بنیادین با نیازهای کشور و مردم و آماج‌ها و مبانی برنامه خود می‌داند و باور دارد لازمه تحقق آزادی و دیگر مصادق‌های حقوق بشر، مردم‌سالاری، عدالت اجتماعی، پیش‌رفت و رفاه و تأمین برابری و برابرقوقی همه مردم ایران و رفع هر گونه تبعیض و ستم و رشد و توسعه هم‌خوان با نیازهای زیست بوم را تحول ارکان و ساختار حیات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور و برقراری نظامی مردم‌محور در شکل جمهوری عرفی مبتنی بر مردم‌سالاری به جای جمهوری اسلامی است. محور مبارزه سیاسی «سازمان نوینباد» این تحول بنیادی است.

۱۲) راه‌کار مطلوب «سازمان نوینباد» برای این گذار برگزاری انتخابات آزاد با مختصات شناخته شده جهانی است. در این راه «سازمان نوینباد» به سازمان‌پایی مبارزه مسالمت‌آمیز مردم در راه تحقق اهداف پیش‌گفته وفادار است و در این چارچوب از همه شیوه‌های ممکن مبارزه پشتیبانی و به سهم خود در سازمان‌دهی و کاربست آن مشارکت می‌کند. هم‌زمان «سازمان نوینباد» از هر اقدام، گام و روند هر چند کم‌دامنه اصلاحات درون‌حکومتی در راستای نیازهای میهن و مردم و آرمان، آماج و برنامه خود استقبال می‌کند. «سازمان نوینباد» مخالف به خشونت کشیده شدن مبارزات مردم است.

۱۳) «سازمان نوینباد» علاوه بر خواست‌ها و نیازهای مشترک و عمومی جامعه ایران، بیکار همه طبقات، اقشار و گروه‌های اجتماعی تحت ستم طبقاتی، فرهنگی و اجتماعی را نمایندگی می‌کند. نیروی اجتماعی مادی و معنوی بالقوه مورد نظر «سازمان نوینباد» برای تحقق دگرگونی‌های مورد نیاز جامعه ایران همه زحمت‌کشان و آفرینندگان نعم مادی و معنوی، روشن‌فکران آزادی‌خواه و دادپرو و انبوه دانش‌آموران، دانش‌جویان و جوانان پویا و نوجوی ایران‌اند.

۱۴) «سازمان نوینباد» با تأکید بر عزمی مبتنی بر مبارزه مستقل در راه تحقق آماج‌های خود، آماده گفتگو و همکاری با همه نیروهایی است که در سطوح مختلف دارای هم‌سوئی آماجی - برنامه‌ای با آن‌اند، در راه عقب نشاندن حکومت ولایی، برگزاری انتخابات آزاد، استقرار آزادی، تحقق حقوق بشر، برقراری عدالت اجتماعی و برپایی جمهوری عرفی مبتنی بر رأی آزادانه مردم مبارزه می‌کنند و کنش‌گر راه رفاه و بهروزی مردم و آبادانی و سربلندی ایران و ایرانی‌اند.

۱۵) هم‌چنین «سازمان نوینباد» از هم‌سوئی‌های موجود با اصلاح‌طلبان پی‌گیر حکومتی، که منتقد استبداد حاکماند و نیز هواداران آزادی‌خواه و میهن‌دوست نظام پادشاهی، که مخالف استبداد سلسله

پهلوی‌اند، استقبال می‌کند و با التزام به موازین آماجی و برنامه‌ای خود و در چارچوب آن، مدافع گفتگو و همکاری سیاسی با آنان است.

۱۶) «سازمان نوینباد» خواهان تلاش برای تنش‌زدایی در روابط ایران با همه کشورهای جهان و برقراری بالاترین سطح روابط دیپلماتیک ممکن با آنهاست. «سازمان نوینباد» مبارز پی‌گیر راه صلح و مخالف سرسخت نظامی‌گرایی و جنگ‌سالاری در منطقه و جهان و باورمند به عاری کردن خاورمیانه از سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی است. «سازمان نوینباد» خواهان برقراری روابط دوستانه مبتنی بر حسن هم‌جواری با همه هم‌سایگان ایران و برنامه‌ریزی راه‌بردی در راستای توسعه متوازن مجموعه منطقه است. سازمان معتقد به ایفای نقش محوری سازمان ملل متحد در مدیریت بحران در سراسر جهان و خواهان مشارکت فعال ایران در حل مسالمت‌آمیز چالش‌ها و بحران‌های منطقه‌ای در چارچوب این سازمان است.

---

### به سوی حزب!

سند حاضر کوششی است در راستای پاسخ به ضرورت تشکیل حزب سوسیال دموکرات ایران و به منظور تشکیل " اتحادیه سوسیال دموکرات های ایران" که بتواند تا فراهم شدن شرایط تشکیل حزب در ایران، وظایف آنرا بر عهده بگیرد.

در تهیه بخش " نگاه ما" از اسناد احزاب سوسیال دموکرات اروپا بهره گرفتیم و در تنظیم دو بخش " مقدمه" و " در راه ساختن ایران آزاد و آباد" بیشترین بهره را از بیانیه تاسیس اتحاد جمهوریخواهان ایران و منشور 91 برده ام. بسیاری از بند ها و فرمول ها را بدون تغییر رو نویسی کرده ام. چرا که هم فرمول ها دقیق و درستند و هم مایل بودم که ادامه کاری حفظ شود و کوشندگان پیش از این، در بنای آینده حضور بایسته را داشته باشند.

بند هائی از بخش سوم، می توانست کوتاه، خلاصه و یا حتی حذف شوند. این کار اما، جز کوتاه نویسی ثمری نداشت. بودن چنین بند هائی که با شفافیت و قدرت مطالبان مهم و ملی را بیان می کنند، ارزشمند هستند حتی اگر فقط بیان شفاف تر بند های فشرده برنامه ای باشند.

**احمد پورمندی**

**به سوی حزب!**

### مقدمه

ملت ما بیش از یک صد سال است که برای کسب حقوق شهروندی، تحقق عدالت و جمهوریت، به مفهوم ایجاد و تداوم حکومتی شفاف، پاسخگو و بر آمده از رای و خواست مردم، میکوشد. با وجود امضای منشور جهانی حقوق بشر و سایر کنوانسیونهای جهانی، هیچ کدام از حکومتهای معاصر ایران تن به اجرای مفاد آن نداده اند. مهار قدرت در ایران چالشی سخت و طولانی است. ملت ما بارها در تاریخ خود تلاش نموده تا نهاد قدرت و حکومت را در ساختاری قانونی، منضبط و تفکیک شده قرار دهد و به کرنش در برابر اراده خود وارداد. تجربه دو بار انقلاب، هیچ کدام، به تشکیل و یا دوام دولتهایی مردمسالار و پاسخگو نینجامیده، هر بار سقوط ساختار پیشین زمینه ای شد برای زایش و بقای دوباره حکومتهایی خودکامه و مستبد. هم اکنون کشورمان ایران در موقعیتی خطرناک قرار دارد، خودکامگی و استبداد با سو استفاده از شعارهای دینی، ارزشهای اخلاقی جامعه را بازیچه دست خود قرار داده و با زیر پا گذاشتن حقوق بشر و نهادینه کردن نظام تبعیض و تحقیر، تلاش دارد تمامی منابع و امکانات جامعه و کشور را فقط در خدمت حفظ و بقای قدرت و نظام قرار دهد. نتیجه این خودکامگی و استفاده ابرازی از ارزشها، چیزی جز خفقان

سیاسی، فساد سیستماتیک، بیکاری میلیون ها انسان، فقر و فروپاشی اقتصادی و اجتماعی، رکود فرهنگی، انزوای جهانی و قربانیان بیشمار نبوده است.

حرکت اصلاح طلبانه دوم خرداد نتوانست حقوق اساسی مردم و آزادیهای فردی و اجتماعی را تثبیت کند. یکی از علل این ناکامی، سرسختی اقتدارگرایان در تداوم استبداد بوده است، اما علل دیگر آنرا باید در محدودیت برنامه سیاسی اصلاح طلبان، تناقضات نظری، انکای یک سو به بر ظرفیتهای قانون اساسی و کم توجهی به سازماندهی نیروهای جامعه مدنی جستجو کرد. این تجربه نشان داد که اصلاحات تدریجی و قانونی به میانجی مجلس و قوه مجریه، بدون تکیه به نیروی سازمان یافته مردم، به سرانجام نخواهد رسید

جنبش سبز مردم ایران، با درس آموزی از علل ناکامی جنبش اصلاحات دوم خرداد، با تکیه بر جامعه مدنی و حضور مستقیم مردم در صحنه، یک تلاش بزرگ ملی بود که پایان دادن به تعطیل و تعلیق فصول و اصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی را وجهه همت خود ساخت تا مقدمات و شرایط برگزاری انتخابات آزاد، منصفانه و سالم را فراهم سازد. گرچه سرکوب خشن، جنبش سبز را از دستیابی به اهدافش در مرحله نخست باز داشت، اما این جنبش که راه تحول مسالمت کشور و گذار به دموکراسی را گشود، در متن جامعه به حیات خود ادامه داد

جنبش گسترده دیماه 1396 که در جریان آن جوانان و مردم به جان آمده از فقر، تبعیض، تحقیر و فساد سیستماتیک به خیابان آمدند تا خشم و انزجار خود را نسبت به حکومت اقتدارگرایان اعلام کنند، نقطه عطف نوینی را در جنبش مردم ایران برای دستیابی به آزادی، برابری و حقوق شهروندی رقم زد

منشور " به سوی حزب" تلاشی است برای مستند کردن اصول، منش و ارزشهایی بر آمده از گنجینه اخلاقی انسانی و تلاش چند قرن گذشته مردم ایران و مردمان سراسر گیتی برای تولدی دیگر در جهت ایجاد حکومتی پاسخگو، روادار و برآمده از اراده مردم. تلاشی که جنبش سبز و خیزش دکن آخرین و مهم ترین فراز معاصر آن بوده اند.

## نگاه ما

1. آزادی، برابری، همبستگی، صلح و حفظ محیط زیست، ارزش های بنیادی سوسیال دموکراسی هستند که بر پایه آنها می توان و باید ساختار جامعه را بنا نهاد و توسعه متوازن و پایدار آنرا متحقق کرد.
2. در تدوین تئوری ناظر بر ساختار جامعه مبتنی بر این ارزش های بنیادی، کار انسانی و بویژه کار دانش بنیاد، عامل اصلی تولید و توسعه پایدار است.
3. در توسعه همه جانبه کشور، توسعه اقتصادی مبتنی بر نقش محوری دانش و کار انسانی، نقش تعیین کننده دارد و ساختار های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، در روند تاثیر و تاثیر متقابل، تحت تاثیر تعیین کننده شرایط اقتصادی قرار دارند.
4. آزادی :

" حقوق شهروندی" مانند آزادی عقیده، بیان، انتخاب، دسترسی به اطلاعات و تشکل و " حقوق فردی" در گزینش شغل، نوع تحصیل، گزینش همسر، آزادی رفت و آمد در داخل و خارج از کشور و رهائی از گرسنگی، فقر، بی سوادگی، تفرقه، عوارض تعلقات قومی، جنسی و دینی از جمله پیش شرط های اصلی "آزادی" به معنی توانایی هر فرد در گزینش راه دلخواه خود و هدایت زندگی خویش است.

مبدا " آزادی" فردی است، اما تحقق آن به تغییرات در جامعه و عرصه اقتصاد و کار وابسته است.

5. برابری:

برابری که به صورت برابری همه شهروندان، مستقل از سن، جنس، دین و باور، وابستگی طبقاتی، قومی و نظایر آن، در مقابل قانون، در انشای قانون و در دستیابی به فرصت‌ها و اطلاعات تجلی می‌یابد، به مفهوم حقوق مساوی همه، برای دخالت در امور جامعه ایست که در آن زندگی می‌کنند. این برابری متکی به توزیع مناسب منابعی است که برای آزادی انسان‌ها دارای اهمیت هستند.

## 6. همبستگی:

"همبستگی" به مفهوم مسولیت انسانها در برابر یکدیگر و وابستگی آنها به یکدیگر است که اتحاد را در سطوح متفاوت برای دستیابی به اهداف مشترک ضروری می‌سازد. بدون همبستگی ملی میان همه ساکنان کشور، تاسیس دولت مدرن حقوقی و تامین و تضمین صلح اجتماعی ممکن نخواهد بود و بدون همبستگی مردم زحمتکش، طبقه کارگر و همه افسار تحت ستم و تبعیض با یکدیگر، مهار مراکز قدرت و ثروت و تحمیل همبستگی ملی به آنها، عملی نخواهد شد. برای آنکه جهان ما به جای بهتری برای زندگی نوع بشر در صلح و آرامش بدل شود، همبستگی جهانی در همه سطوح ممکن، امری ضروری است.

## 7. سوسیال دموکراسی بویژه در مقابله با جهات منفی پدیده "جهانی شدن" و مهار شکاف

های عظیم میان اقلیت بسیار کوچک ابر ثروتمندان و اکثریت عظیم انسان‌های محروم جهان، از ایجاد مکانیسم‌های جهانی مبتنی بر همبستگی مردم جهان برای ایجاد نظامی انسانی و عادلانه جانبداری می‌کند.

جهان ما نیازمند جنبشی جهانی است که حرص، طمع و اندئولوژی طبقه میلیاردرها را به چالش گرفته، جهان را به عدالت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی رهنمون شود.

## 8. "همبستگی"، "آزادی" و "برابری" در هم تنیده اند. برابری، پیش‌نیاز آزادیست. همبستگی

پیش‌نیاز برابریست و آزادی و برابری پیش‌نیاز همبستگی هستند. خواست آزادی، برابری و همبستگی سوسیال دموکرات‌ها از سوی منافع کسانی حمایت می‌شود که در فقدان آزادی و برابری از نفوذ بسیار کمی در اداره جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، برخوردارند. مدیریت تضاد کار و سرمایه و سایر تضاد‌های اجتماعی بر پایه اصل همبستگی و ایجاد توازن قدرتی که در آن به منافع کارگران و همه شهروندان کمتر برخوردار نیز به همان اندازه منافع سرمایه‌داران و افسار برخورداراهمیت داده شود، بخش مهمی از جهان بینی سوسیال دموکراتیک ماست. سوسیال دموکراسی ما در برخورد منافع کار و سرمایه، بدون آنکه منافع سرمایه و الزامات توسعه متوازن و پایدار را نادیده بگیرد، منافع کار و افسار نابرخوردار و لایه‌های میانی جامعه را نمایندگی می‌کند.

## 9. دموکراسی به مثابه عالی‌ترین روش سازمان‌دادن حکومت و مدیریت جامعه، محصول هم

پیوندی درونی و عملکرد متوازن آزادی، برابری و همبستگی است. دموکراسی مکانیسم شکل‌گیری اراده اکثریت مردم، در جریان انتخابات آزاد متکی بر گفتمان عقلانی است که در نتیجه آن برنامه و مسولین اداره کشور برای دوره‌ای معین و نیز مکانیسم تامین و تضمین حقوق اقلیت‌ها مشخص می‌شود. هر انتخاباتی که از مدار گفتمان عقلانی خارج شود و به نتیجه‌ای مغایر با حقوق بشر و دموکراسی منجر گردد، فاقد مشروعیت است.

## 10. حکومت نماینده هیچ دینی نیست و ضمن استقلال از نهادهای دینی و احترام برابر و بدون

تبعیض برای تمامی ادیان و پرهیز از دخالت و اعمال نفوذ در نهاد‌های دینی، حضور همه مومنان در امور سیاسی را فرصتی برای توانمندسازی جامعه می‌داند. قوانین، فرامین دولتی و احکام قضائی بر پایه دلایل عقلی موجود که در انحصار هیچ مکتب و بخش خاصی از جامعه قرار ندارد، تدوین می‌شوند.

## 11. صلح جهانی، ارزشی فرا ملی، فراگروهی و فراطبقاتی است که برای تامین و حفظ آن،

تقویت گفتمان صلح، ایجاد و تقویت ساختارهای جهانی مبتنی بر همبستگی انسانها با

یکدیگر، با هدف امحای سلاح های کشتار جمعی، خلع سلاح جهانی و نهادینه کردن گفتگو به مثابه یگانه وسیله حل و فصل معضلات بین کشورها از ضرورتی مبرم برخوردار است.

12. زمین خانه مشترک ماست. استفاده آژمندانه و بی رویه از منابع طبیعی و عدم وجود قوانین لازم الاجرا و مکانیسم های نیرومند و جهانی کنترل، به تولید بی رویه گازهای گلخانه ای، گرم شدن زمین، گسترش بیابان ها، آلودگی هوا و آبها، کاهش ذخایر آب های زیر زمینی و... منجر شده و فجایع عظیم، زیست-بوم مشترک ما را تهدید می کند. پاسداری از صلح جهانی و حفظ محیط زیست از ارزش های بنیادی ماست و ما خود را جزئی از جنبش جهانی برای حفظ صلح و محیط زیست می دانیم.

## در راه ساختن ایرانی آزاد و آباد

1. قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی که برپایه تبعیض میان شهروندان بنا شده با حق حاکمیت مردم ناسازگار است. استراتژی سوسیال-دموکرات ها، تغییر قانون اساسی و ساختار سیاسی جامعه از راههای مسالمت آمیز و با تکیه بر جنبش های سازمانیافته مردم و اشکال گوناگون نافرمانی مدنی، برای استقرار جمهوری عرفی در ایران است. ما در راستای تحقق این استراتژی، از هر نوع تلاش برای استفاده از ظرفیت های قانون اساسی و تحقق تغییراتی در آن، در جهت نزدیکی به اعلامیه جهانی حقوق بشر پشتیبانی می کنیم. ما دستیابی به توافق میان مجموعه نیرو های اپوزیسیون ملی و دمکرات با بخش هایی از حکومت به اتکای جنبش های مردمی و مدنی، به منظور برگزاری انتخابات آزاد، سالم و منصفانه را مناسب ترین و عملی ترین راه گذار به دموکراسی می دانیم.
2. جمهوری اسلامی با درآمیختن دین و دولت، ولی فقیه را بر سرنوشته مردم قیم و حاکم ساخته و حق حاکمیت را از ملت سلب کرده است. رهبری جمهوری اسلامی مقامی غیر پاسخگوست که از طریق نهادهای انتصابی راه را بر گشایش فضای سیاسی بسته و مهمترین نقطه اتکاء سیاست اختناق و سرکوب در ایرانست. ازاین رو نهاد ولایت فقیه، به مثابه مانع اصلی استقرار جمهوری، نخستین آماج مبارزه در راه دموکراسی است.
3. مناسبترین شکل تحقق مردم سالاری در ایران نظام جمهوری پارلمانی بر اساس تفکیک قوای سه گانه و تضمین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای ضمیمه آن است. اصل تناوب قدرت و انتخابی بودن سران کشور و دولت، هرگونه ادعای امتیاز موروثی، دینی و مسلکی را در امر حکومت بی اعتبار می سازد.
4. نظام جمهوری بر اساس جدایی دین و مسلک از حکومت استوار خواهد بود، بدون آنکه مانع حضور و مشارکت پیروان هیچ مذهب و مسلکی در عرصه سیاست باشد. این جدایی امکان همزیستی دموکراتیک پیروان همه ادیان و مذاهب و عقاید را در کنار یکدیگر فراهم می آورد و دولت را از دخالت در عرصه خصوصی و زندگی شخصی شهروندان باز می دارد.

## 5. توسعه پایدار

تأمین عدالت اجتماعی در ایران در گروی "توسعه پایدار و متوازن" کشور است. ما تدوین الگوی توسعه پایدار ایران و تدوین راهکار های مناسب جهت حضور موثر و کارآمد کشور در تقسیم کار جهانی را وظیفه ای مهم و مبرم می دانیم و در جهت انجام آن می کوشیم.

جهان ما در سر آغاز قرن بیست و یکم در آستانه چرخش تمدنی بزرگی قرار دارد. فن آوری های مربوط به نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی، عصب شناختی و فن آوری های اطلاعاتی جوامع انسانی را به سرعت در هم می نوردند. "جهانی شدن" و "دیجیتالیزه شدن" به مثابه دو "ابر چالش" قرن 21، می توانند توسعه پایدار

کشورمان را شتاب دهند و در خدمت ایجاد ایرانی آزاد، با اقتصادی شکوفا و جامعه ای توانمند قرار بگیرند. تدوین الگوی توسعه پایدار کشور، در گروی شناخت عمیق این ابر چالش ها، دمسازی با آنها و بهره جویی از ظرفیت های عظیمی است که می تواند روند عبور از توسعه نایافتگی را تسریع کند.

## 5-1 - نفت و توسعه پایدار:

هم اکنون 30 درصد بودجه و 60 درصد اقتصاد ایران را نفت تشکیل می دهد و این اقتصاد به شدت " نفت محور" و معنادار به نفت است. فساد، استبداد و ساختار معیوب اقتصاد ملی ناشی از کنترل دولت و حکومت مبتنی بر ولایت فقیه بر صنایع نفت و گاز و در آمد های حاصل از فروش آن است و مادام که این شریان حیاتی اقتصاد فقهاتی-رانتی- مافیائی- دولتی قطع نشود و مدیریت و کنترل مردم نهاد بر منابع و صنایع نفت و گاز اعمال نشود، سخنی از بازسازی دموکراتیک اقتصاد ملی و توسعه پایدار نمی تواند به میان بیاید.

( طرح مشروح در ضمیمه شماره 1)

## 6. حقوق و مسئولیتهای فردی

ایران بی هیچ گونه شرطی به همه ایرانیان تعلق دارد و نمی توان ایرانی را از حق ملیت و یا خروج از آن محروم کرد.

حقوق شهروندی برای تمامی ایرانیان یکسان است.

تمامی شهروندان و ساکنین ایران و تمامی افرادی که به هر شکلی تحت حوزه قضایی، اختیار و یا قلمرو قدرت دولت ایران قرار دارند از حقوق اولیه انسانی بر اساس اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر برخوردار می باشند.

رعایت قانون مسئولیت تمامی شهروندان است.

هر ایرانی حق دارد محل سکونت خویش را انتخاب و آزادانه در هر جای کشور رفت و آمد کند.

هیچ ویژگی از جمله جنسیتی، زبانی، دینی، عقیدتی، طبقاتی و یا اجتماعی نمی تواند منشا تبعیض و برتری بین شهروندان شود.

اراده مردم ایران اساس تمامیت ایران و سرچشمه قدرت حکومت است، این اراده بایستی در انتخاباتی آزاد و شفاف با رعایت برابری و کلیه موازین بین المللی با امکان شرکت کلیه شهروندان ابراز شود.

هر ایرانی از حق آزادی اندیشه بدون هیچ محدودیتی برخوردار است.

هر ایرانی از آزادی بیان مطابق منشور حقوق بشر برخوردار است.

هر ایرانی از آزادی آرایش و پوشش در گستره عمومی برخوردار است.

هر ایرانی حق ایجاد هر گونه تشکل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی و عضویت در آن را دارد.

هر ایرانی حق برگزاری و شرکت در هرگونه گرد هم آیی خشونت پرهیز به هر منظور، را دارد.

هر ایرانی حق زندگی آزاد، انتخاب شدن، انتخاب کردن، امنیت و کسب سعادت را دارد.

هر ایرانی حق آزادی دین و اعتقاد و آزادی از دین را دارد.

سطح زندگی شرافتمندانه حق هر ایرانی و خانواده اش است. زندگی شرافتمندانه تضمین کننده دسترسی به خدمات بهداشتی، اجتماعی و آموزشی و حداقل مایحتاج اولیه شامل خوراک، پوشاک و مسکن است.

هر ایرانی حق دسترسی رایگان به آموزش پایه را دارد.

هر ایرانی حق انتخاب پیشه و تعیین سرنوشت اقتصادی خویش را دارد، آزادی فعالیت اقتصادی حق بنیادین هر ایرانی است.

مالکیت خصوصی محترم است و بایستی از دست اندازی دیگران چه اشخاص و چه نهاد های غیر مسول

پاسداری شود. تنها دولت می تواند به منظور تنظیم عملکرد سالم "اقتصاد اجتماعی بازار بنیاد" با وضع قانون، محدودیت های ضرور در بهره وری از حقوق ناشی از مالکیت واحد های اقتصادی را اعمال کند.

حریم شخصی و خانوادگی افراد و حیثیت اجتماعی آنان بایستی مورد احترام و محفوظ باشد. هر ایرانی حق انتخاب زندگی جنسی خویش را دارد. آفرینش های علمی، ادبی و هنری متعلق به آفریننده آن است. مالکیت افراد بر هر گونه نوآوری، اختراع و تولید فکری می باید محترم شمرده و پاسداری شود.

## 7- حقوق زنان

زن مالک تن و روان خویش است و فرا از هر گونه قید و بند پدر سالارانه سرنوشت خود را در دست دارد. انتخاب پوشش حق بدیهی و انسانی زن است و قانون حجاب اجباری تحقیر زن و مرد ایرانی است. هیچ محدودیت و تبعیضی علیه شرکت همه جانبه زنان در تمامی امور جامعه نمی توان فایده مند. قانون باید با اعمال تبعیض مثبت به سود زنان، راه غلبه بر تبعیض های نهادیه شده را به سود زنان هموار کند. پیشرفت همه جانبه جامعه در گرو شکوفا شدن توانایی های زنان در گستره همگانی است. تمامی موانع و محدودیت های پیش روی زنان جهت کسب بالاترین مقام های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و علمی در جامعه می باید برچیده شوند. زنان در تمامی زمینه های حقوقی از جمله حقوق قضایی و کیفری با مردان برابرند. هیچ گونه تفسیر و اجرای تبعیض آمیز قانون به زیان زنان، قابل قبول نیست. زنان در دوره بارداری و زایمان از حق ویژه در زمینه حقوق کار برخوردارند. مبارزه با خشونت علیه زنان مسئولیت اخلاقی و فرهنگی جامعه و تک تک شهروندان است، حکومت در برچیدن تمامی زمینه های خشونت علیه زنان تکلیف قانونی دارد.

## 8- حقوق نیروی کار و گروه های اجتماعی

تشکیل خانواده حتما بایستی با رضایت کامل هر دو طرف صورت گیرد. حق تجمع خشونت پرهیز از حقوق بنیادین جامعه است. پایبندی به موازین سازمان بین المللی کار (که ایران یکی از امضا کنندگان آن است) لازمه تنظیم و اجرای قوانین کار در کشور است. ایجاد تشکلهای کارگری، صنفی و شوراهای کارگری از حقوق بنیادین نیروی کار و متخصصان می باشد. قانون، حق کارگران برای تشکیل سندیکا، اتحادیه و صندوق های کارگری را تضمین می کند.

در تمام بنگاه های اقتصادی بزرگ و متوسط تشکیل شوراهای کارکنان بوسیله قانون تضمین می شود. این شورا ها از حق مشارکت در تصمیم گیری در زمینه دستمزد ها، اخراج نیروی کار، بازرخرد و بازنشستگی پیش هنگام، امنیت، نظم و بهداشت محیط کار و نظایر اینها برخوردارند.

تعیین حداقل مزد ضروری است و می باید تامین کننده حداقل نیازهای اولیه زندگی باشد، قانون پرداخت مزد و حقوق بدون تبعیض را تضمین می کند. حق اعتصاب از حقوق اساسی نیروی کار است و همه شهروندان از حق بیمه درمانی، بیکاری و بازنشستگی برخوردار می شوند.

## 9- حقوق اقلینها

ایران کشوری است متشکل از اقوام، فرهنگها، زبانها و ادیان گوناگون که همگی از حقوق شهروندی یکسان برخوردارند. تنوع قومی، زبانی و دینی یکی از بزرگترین سرمایه های انسانی و اجتماعی کشور ماست که می باید در



نگاهداری آن کوشید.

تمامی اقلیتها به ویژه قومی، دینی و زبانی حق نگاهداری و گسترش فرهنگ ویژه خود و سخن گفتن و آموزش به زبان مادری و گویش محلی خویش و ایجاد و گسترش مناسبات فرهنگی با همگنان قومی خود در کشور های همسایه را دارند.

با اتکا به رای اکثریت نمیتوان حقوق هیچ اقلیتی را محدود و مخدوش کرد.

حقوق تمامی اقلیتها می باید در مفاد قانون اساسی در نظر گرفته شود. " عدم تمرکز توسعه محور" و تبعیض مثبت به سود مناطق پیرامونی و نابرخوردار کشور، باید بوسیله قانون تضمین شود. دگرباشان همچون دیگر شهروندان در تمامی زمینه های حقوقی از جمله حقوق قضایی و کیفری با دیگران برابرند.

سرکوب هم میهنان بهائی ما و اعمال ستم علیه آنها مایه شرمساری است و پایان بلادرنگ سرکوب و ستم علیه بهاییان و تعمین و تضمین حقوق شهروندی آنها، بوسیله قانون، دولت و جامعه مدنی تضمین می شود.

هم میهنان افغانی الاصل ما به مثابه شهروندان ایران از همه حقوق شهروندی برخوردار می شوند و به تبعیض علیه افغانستانی های مقیم ایران پایان داده می شود.

## 10- عدالت قضایی

اجرای قانون و عدالت نباید به انتقام گیری و خشونت منجر شود.

دستگاه دادگستری و ساختار اداری آن بیطرف، مضمون و مستقل از دیگر ارکان قدرت و سیاست می شوند.

دادگاه های ویژه منحل و تشکیل این قبیل دادگاه ممنوع می شوند.

فضاوت در موارد غیر جنائی به نهاد های مردمی و خانه های انصاف منتخب مردم واگذار می شود.

همه در برابر قانون برابرند، هیچ گونه تفسیر و اجرای تبعیض آمیز قانون قابل قبول نیست.

گسترش عدالت در جامعه و طیفه ای است انسانی و همگانی، بر تمامی شهروندان است که در برابر بیداد پایداری کنند.

هر کسی بیگناه است مگر اینکه در دادگاهی مطابق موازین بین المللی محاکمه و مجرم شناخته شده باشد.

هر کسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد و بدون حکم جلب و یا احراز جرم نمیتوان کسی را خودسرانه دستگیر کرد و یا در حصر قرار داد.

هر متهمی حق دسترسی به وکیل مدافع به انتخاب خود و دادرسی در کوتاه ترین زمان ممکن را دارد.

هر کسی که بدون طی مراحل قانونی دستگیر و یا زندانی شده باشد حق جبران خسارت خواهد داشت. هر گونه آزار جسمی و روحی به خصوص آنچه به گرفتن جان انسان بینجامد تا مین کننده عدالت نیست. مجازات بی ثمر و غیر انسانی اعدام لغو می شود.

اداره زندانها و بازداشتگاهها شفاف است و دسترسی نهادهای مدنی و حقوقی ملی و بین المللی به زندانها و زندانیان ممکن همواره ممکن خواهد بود.

## 11- حکومت نهادها و ساختارهای وابسته به آن ،

حکومت ساختاری است قراردادی که بازتاب اراده تمامی ملت ایران است که در ساختاری قانونی، منضبط و تفکیک شده تجلی می یابد. اراده اکثریت نمیتواند موجب پایمال شدن حقوق اقلیت شود.

حکومت می باید از دخالت و اعمال نفوذ در نهادهای دینی اکیدا پرهیز کند و احترام برابر و بدون تبعیض برای تمامی ادیان قایل باشد.

حکومت نماینده هیچ دینی نیست و باید مستقل از نهادهای دینی باشد.

ساختار حکومت بایستی مانع تمرکز قدرت و ایجاد انحصار در عرصه عمومی و اداره کشور شود. نهاد حکومت حق سرپرستی پدسالارانه (قیمومیت) جامعه را ندارد و باید در مورد اراده و کردارش در برابر مردم پاسخگو باشد.

حکومت باید حقوق و حاکمیت تمامی ملت‌های جهان را محترم بشمارد. حکومت حق ندارد به صورت خودسرانه حریم خصوصی افراد را نقض کند. منابع و ثروتهای ملی متعلق به تمامی ملت است. کارگزاری و استخراج منابع و ثروتهای ملی وابسته به اراده ملت است که می‌تواند بوسیله نهاد‌های برگزیده مردم و مستقل از دولت مدیریت شود. نهاد‌های دولت و کارگزاران آن حق سو استفاده از منابع و ثروتهای ملی را ندارند. دولت نباید استقلال مالی از ملت داشته باشد، منبع درآمد دولت صرفا از ملت است. مسئولیت تامین هزینه اداره و پیشرفت کشور بر دوش شهروندان و شرکت‌های اقتصادی و خدماتی است که از طریق انواع مالیات تامین می‌شود. حکومت باید تضمین کننده امنیت و سلامت انتخابات (بر اساس موازین بین المللی) و فراهم کننده امکان نظارت کامل و بدون قید و شرط نهاد‌های مردمی باشد. حکومت حق انحصار رسانه‌های عمومی را نداشته و نمیتواند رسانه‌های خصوصی را به طور خودسرانه محدود کند. حکومت حق ندارد دست اندرکاران و خبرنگاران رسانه‌ها را به خاطر خبر رسانی و فاش گویی در مورد خطاهایی که مربوط به گستره عمومی میشود، مورد پیگرد قرار دهد. حکومت بایستی در گسترش و آموزش فرهنگ عدم خشونت پیشرو باشد. قانون اساسی بازتاب خواست مردم است و تغییر آن منوط به اراده ملت است. تمامی نهاد‌های حکومتی وظیفه دارند که قانون اساسی را بدون کم و کاست و بی تبعیض اجرا کنند.

## 12- نیرو های مسلح

وظیفه نیروهای مسلح اعم از ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی حفظ امنیت شهروندان و پاری رسانی به آنها می‌باشد. نیروهای مسلح نباید در خدمت مقاصد و دیدگاه‌های سیاسی هیچ گروهی در بیایند و یا در امور اقتصادی وارد بشوند. تمامی شهروندان ایرانی حق عضویت در نیروهای مسلح اعم از ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی را دارند. اعضای رسمی نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی حق عضویت در احزاب سیاسی را ندارند. اعضای رسمی نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی موظف به رعایت نظامنامه مبتنی بر حقوق بشر می‌باشند.

## 13- منابع طبیعی، میراث فرهنگی و حفاظت از زیست محیط ایران

منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بناهای تاریخی و محیط زیست بزرگترین و مهم ترین دستمایه ملی و جغرافیایی کشور می‌باشند. بهره برداری اقتصادی نباید موجب نابودی یا صدمه جبران ناپذیر به منابع طبیعی کشور شود. توسعه پایدار در گرو نگاهبانی و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست است. نگاهبانی و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست مسئولیتی است بر دوش همه شهروندان. هر گونه تخریب خود سرانه و دست اندازی محیط زیست توسط هر شخص و یا نهادی ممنوع است. حکومت موظف است که قوانین 'ارزیابی زیست محیطی' را مدون و اجرا کند. حیوانات در این کره خاکی با انسان شریک هستند، رعایت حقوق آنها الزامی است. هر گونه نقض حقوق حیوانات ضربه ای است به پیکره انسان متمدن، جلوگیری از خشونت و آزار کور حیوانات وظیفه تمامی افراد جامعه است.

## 14-سیاست خارجی

پایه و اساس سیاست خارجی دفاع از حق حاکمیت و منافع ملی، تسریع توسعه همه جانبه اجتماعی-اقتصادی، حفظ صلح، محیط زیست و امنیت جهانی است. تحقق این مهم مشروط به مشارکت فعال در تقسیم کار جهانی، همکاری با نهاد های بین المللی، دوستی با کشورها و توفیق در جایگزین کردن اشتراک مساعی بجای رویروی است. چنین سیاستی گسترش روابط و همکاری های ایران با همه کشورها، بر اساس حقوق برابر و منافع متقابل را ایجاب می کند. سیاست خارجی، باید شفاف و تحت نظارت دقیق پارلمان باشد.

در جهان کنونی چالش مهم سیاست خارجی همزیستی با قدرت های بزرگ برای حفظ حق حاکمیت، امنیت، منافع ملی و جستجوی راه های همکاری برای دسترسی به تکنولوژی، سرمایه و بازار است. برای این امر، عادی سازی و گسترش همه جانبه روابط سیاسی، همکاری های گسترده فنی-اقتصادی و بسط مبادلات فرهنگی میان ایران با همه کشورها، بویژه اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا، براساس حقوق و احترام متقابل و رعایت مصالح و منافع ملی، جهت گیری مناسب درسیاست خارجی ایران است.

ثبات سیاسی، صلح، امنیت و توسعه اجتماعی- فرهنگی بسود بهبود وضعیت حقوق بشر و اشاعه دموکراسی در منطقه خاورمیانه است. روابط دوستانه، همکاری های همه جانبه سیاسی- اقتصادی و پیمان های منطقه ای با همسایگان و کشورهای منطقه راهگشای دست یابی به اهداف فوق است.

عادی سازی شرایط در خاورمیانه مستلزم پایان دادن به اسراییل ستیزی، صلح میان اسرئیل و فلسطین، تشکیل دولت مستقل فلسطین درکنار دولت اسرئیل و همزیستی مسالمت آمیز این دو دولت است.

سازمان ملل متحد از مهمترین دست آوردهای جامعه بشری برای تضمین صلح جهانی و امنیت ملت هاست. تلاش برای دموکراتیزه شدن بیشتر وتقویت این نهاد و گسترش اقتدار و کارآمدی آن برای ایجاد نظم نوین عادلانه اقتصادی وحل و فصل منازعات بین المللی، نظارت اکید بر رفتار دولتها در زمینه تولید و انباشت سلاح های هسته ای، بیولوژیک و شیمیائی کشتار جمعی، رعایت موازین حقوق بشردر همه کشورها و حفظ سلامت محیط زیست اهمیت اساسی دارد. همکاری و تعاون کشورها در برسمیت شناختن مرجعیت این نهاد و رعایت قطعنامه های آن برای تحقق صلح و امنیت و مهارعوارض سو حرکت بدون نظارت سرمایه در جهان، ضروری است.

### به هر ایرانی یک بشکه نفت!

### طرحی در خدمت توسعه پایدار، دموکراسی و عدالت اجتماعی

"اقتصاد ایران نمی تواند با نگاهی واحد نسبت به توسعه اقتصادی، با سیاست تماس بگیرد. دو امپراطوری (2) سپاه و بیت، انکار قانون و حاکمیت قانونند. مولفله موجودیتش با استبداد و "رانت" گره خورده و بدنه اقتصادی دولت به شدت محافظه کار و مخالف هر گونه محدودسازی اقتصاد دولتی است و تنها بخش خصوصی فاقد تشکل های نیرومند، جانبدار توسعه اقتصادی است.

تضاد در درون اقتصاد و ایستادگی بخشی از آن در مقابل بخش دیگر، که طبعاً به عدم هماهنگی بین سیاست و اقتصاد هم منجر می شود، آن تفاوت اساسی ایران امروز با ایران سال 40، کره، چین، سنگاپور و کشورهای دیگرست که توسعه اقتصادی از بالا را با موفقیت پیش برده اند."

بسته بودن راه توسعه آمرانه و از بالا، این سوال اساسی را پیش می آورد که برای شکستن بن بست، حلقه مرکزی کدام است و چه نیروهائی قادر و متمایل به مشارکت در چنین روندی هستند.

نگاهی ساده به ساختار، کارکرد و روند شکل گیری اقتصاد امروز ایران نشان می دهد که هم اکنون 30 در صد بودجه و 60 در صد اقتصاد ایران را نفت تشکیل می دهد(3) و این اقتصاد به شدت " نفت محور" و معتاد به نفت است. فساد، استبداد و ساختار معیوب اقتصاد ملی ناشی از کنترل دولت و حکومت مبتنی بر ولایت فقیه بر صنایع نفت و گاز و در آمد های حاصل از فروش آن است و مادام که این شریان حیاتی اقتصاد فقهائی-رانتی- مافیائی- دولتی قطع نشود، سخنی از بازسازی دموکراتیک اقتصاد ملی نمی تواند به میان بیاید.

در مواجهه با این واقعیت آشکار و غیر قابل انکار، اغلب اقتصاددانان و سیاستمداران ملی، لیبرال و دموکرات کشور، از کوتاه کردن دست دولت و هتت حاکمه از صنایع نفت و گاز و در آمد های حاصل از فروش این ثروت ملی دفاع کرده، مکانیسم های بدیل را پیشنهاد می کنند.(4)

در ارائه این راه حل های آلترناتیو البته، تفاوت نظرات نسبتا زیادی به چشم می خورد.از تشکیل صندوق توسعه و تاسی به "الگوی نروژ" (5) تا طرح " تبدیل شرکت ملی نفت ایران به شرکت سهامی عام بر اساس هر ایرانی یک سهم" دکتر باقرزاده(6) و طرح "ملی- سهامی" شدن نفت احمد تقوایی (7) تا طرح یارانه ها و توزیع مستقیم پول نفت در میان مردم(8) و تا طرح "عمومی کردن نفت" دکتر نیلی (4)، تا طرح 20-30-50 مهرداد عمادی(9) از جمله طرح هائی هستند که در داخل و خارج پیشنهاد شده اند.

بخشی از این طرح ها نظیر کاربست " الگوی نروژ" اساسا در ایران قابل انطباق و اجرا نیستند. نروژ سرزمینی کم جمعیت است که قبل از کشف نفت هم کشوری پیشرفته بود و در نتیجه می تواند- و توانست- به راحتی بخش اعظم درآمد های نفتی خود را در خارج از کشور سرمایه گذاری کند و به شکلی بسیار محدود و با احتیاط از بخشی از در آمد های این سرمایه گذاری ها، در جهت توسعه زیر ساخت های فنی و علمی بهره ببرد. این مفروضات در ایران وجود ندارد و هشتاد میلیون ایرانی، به نفت معتادند و بدون در آمد های نفتی و تزریق آن به اقتصاد ملی، شیرازه این اقتصاد از هم خواهد پاشید.

طرح توزیع مستقیم پول نفت که در زمان احمدی نژاد به اجرا در آمد و هم اینک نیز از سوی پوپولیست های راست دنبال می شود گرچه می توانست، با اصلاح جدی قانون یارانه ها و حمایت همزمان و همسنگ از عرضه در مقابل تحریک شدید تقاضا، گام مثبتی تلقی شود، به دلیل نقایص جدی و عامدانه قانون و اجرای یک جانبه آن، تنها به حیف و میل اموال عمومی، تشدید فساد و تورم افسار گسیخته و تشدید فقر و بی عدالتی منجر شد.(10)

طرح هائی نظیر " شرکت ملی-سهامی" احمد تقوایی یا "شرکت سهامی عام" آقای باقرزاده، تشکیل پارلمان نفت و نظائر اینها، گرچه می توانند در چشم انداز دور تر قابل اجرا باشند، اما در شرایط فعلی کشور فاقد قدرت بسیجند و بیش از اندازه با واقعیت های سیاسی و اقتصادی ایران فاصله دارند و نظیر نظرات اقتصاددان هائی چون هادی زمانی، به تقدم توسعه سیاسی و در نتیجه تحقق تحولات سیاسی مشروط اند.

هر طرحی که بخواهد با نفت به مثابه حلقه مرکزی و گرهی اقتصاد ایران تماس بگیرد، باید در درجه اول براساس وضعیت واقعی اقتصاد ایران، رابطه ای منطقی و قابل توضیح با توسعه پایدار داشته باشد، در عین حال این طرح باید بتواند هم مورد پشتیبانی بخش خصوصی باشد، هم مورد حمایت طبقه متوسط فرهنگی و روشنفکران فقیر قرار بگیرد و هم حمایت اقشار تهیدست و حاشیه نشین را جلب کرده، پوپولیسم راست را در بهره جوئی از فقر و طرح شعار های عوامفریبانه ای نظیر افزایش چند صد درصدی یارانه ها، ناکام گذارد.

به باور من، طرح آلترناتیو می تواند با صرف نظر کردن موقت از شعار "کوتاه کردن کامل دست دولت از نفت و گاز" حد معینی از اقتصاد رانتی را تحمل کرده، بر محور های زیر بنا شود:

1-بانکی ملی-مردمی با هدف تامین سرمایه توسعه پایدار کشور تاسیس می شود.

2-به حساب هر ایرانی در این بانک، از سوی دولت، ماهانه معادل بهای یک بشکه نفت به قیمت روز، واریز می شود.

3-سهام ایرانیان زیر 18 سال غیر قابل برداشت است و افرادی که بعد از اجرای طرح به 18 سالگی می رسند، باید حد اقل 4 سال پول به حسابشان واریز شده باشد تا حق برداشت داشته باشند.

4-سهام شش ماه اول همه ایرانیان و سهم همه افراد بالای 18 سال از سه دهک بالای جامعه، در حساب آنها می ماند و پرداخت به بزرگسالان دهک های یکم تا هفتم، از ماه هفتم آغاز می شود.

5-در آمد حاصل از فروش گاز و مابقی در آمد های نفتی موقتا در اختیار دولت می ماند تا در پروسه گذار دولت از نهادی رانتی به دولتی متکی بر مالیات، صرف امور جاری کشور شود.

6-بانک ملی-مردمی توسعه پایدار کشور با مکانیسم های کنترل شفاف و اجتماعی نظیر تشکیل هیئت امنائی مرکب از نمایندگان تشکل های اجتماعی، سهم ایرانیان زیر 18 سال و بزرگسالان سه دهک بالای جامعه را به عنوان پشتوانه توسعه اقتصادی، در خدمت بخش خصوصی و صرفا در کارهای تولیدی و زیرساختی بویژه سرمایه گذاری های مشترک داخلی-خارجی، در زمینه صنعت، انرژی و تقویت بنیه علمی-فنی کشور تامین مالی و مدیریت می کند.

7-نظام بانکی کشور به اتکای سرمایه بانک توسعه، بر اساس استاندارد های جهانی، اصلاح می شود تا به نظامی سالم و کارآمد بدل شود.

8-به موازات افزایش نقش و وزن سرمایه گذاری های جدید در بخش انرژی، از جمله نفت و گاز و غلبه نسبی بر فقر و بیکاری در جامعه، و اصلاح نظام مالیاتی و بانکی کشور، سهم دولت و توزیع مستقیم پول در جامعه به سمت صفر سوق داده می شود و تمام درآمد های حاصل از حق مالکیت منابع نفت و گاز در اختیار بانک توسعه قرار می گیرد.

---

### طرح منشور: برای چپ سوسیالیستی، عدالتخواه و دمکراسیخواه

کشور ما نیازمند آزادی، دموکراسی، استقلال، عدالت اجتماعی است. ریشه کن ساختن فقر و فساد، تحول دمکراتیک، حفظ و بهبود محیط زیست و حیات وحش، رعایت تمامی اصول منشور جهانی حقوق بشر و ملحقات آن و توسعه همه جانبه و پایدار در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیازهای مبرم میهن ما هستند. ما- سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (طرفداران وحدت چپ) و کنشگران چپ ایران- با هدف مشارکت در رفع این نیازها، برای ایجاد یک تشکل سیاسی چپ با آرمان سوسیالیسم گام برداشته ایم.

#### میانی باورهای ما چنین اند:

1- ما برای عدالت اجتماعی و ایجاد یک نظام اجتماعی عاری از بهره کشی فردی مبارزه میکنیم. برای جامعه ای مبتنی بر مشارکت همگانی که در آن تمامی افراد جامعه سهمی عادلانه از تسهیلات همگانی

داشته باشند و ثروت ملی در انحصار افراد و طبقه خاصی نباشد. سوسیالیسم مورد نظر ما آزادی فردی را برای فعالیت های اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و مذهبی به رسمیت می‌شناسد.

ما اعتقاد داریم که نظام سرمایه داری حرف آخر تاریخ نیست. ما مخالف نظام سرمایه داری هستیم. بشریت در تکاپوی مبارزه برای آفرینش جامعه ایی آزاد، دموکراتیک و فارغ از استثمار و بهره کشی فردی است. ما به عنوان یک نیروی چپ، دموکرات، عدالت خواه و دموکراسی خواه در این مسیر گام بر میداریم. استقرار نظامی مبتنی بر آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست هدف ماست. ما آرمانخواهی سوسیالیستی خود را نه یک امری برای فردایی نامعلوم، بلکه تلاش و مبارزه ای جاری و کنونی خود را برای تحقق ارزشهای سوسیالیستی از هم اکنون میدانیم.

- صد و هفتاد سال پیش در مانیفست حزب کمونیست خصلت استثمارگرایانه نظام سرمایه داری را که برای به حداکثر رساندن سود انسانیت را زیر پا گذاشته و همه منابع طبیعی و انسانی را به خدمت سود بیشتر میگیرد، را با درایت و آینده نگری پی ماندی تبیین کرده است. روند جهانی شدن سرمایه داری که به سلطه غالب سرمایه مالی منجر شده است، که به نئولیبرالیسم مشهور است. خطر ناشی از جهانی شدن سرمایه داری مبتنی بر سیاستهای نئولیبرالیستی برای دستاوردهای بشری پاسخی جهانی میطلبد. این پاسخ نمیتواند جز با اتکا به ارزشهای دیرین عصر روشنگری که انسان را محور قرار داده و تکامل منطقی آن توسط جنبش کارگری که در همبستگی بین المللی تجلی یافته است، باشد.

به موازات روند جهانی شدن سرمایه داری و سلطه سیاستهای نئولیبرالیستی، تمامی نیروهای چپ، مترقی و صلح طلب به میدان مبارزه علیه تبعیض، جنگ و درجهت دفاع از ارزشهای عدالتخواهانه، محیط زیستی، صلح خواهانه، دوستی و همبستگی میان شهروندان جهان روی آورده اند. ما بعنوان جریان چپ همراه پیگیر و مدافع این پیکار جهانی هستیم.

2- ما از تامین حقوق، منافع و مصالح اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اکثریت جامعه یعنی کارکنان همه اقشار جامعه، کارگران، دهقانان، زحمتکشان شهری، کارمندان، مزدبگیران، حقوق بگیران و بیکاران دفاع می کنیم. ما برای جامعه ایی میکوشیم که در عین حفاظت از منابع طبیعی کشور، اجازه دهد هر فرد از مسکن مناسب، تغذیه سالم و باکیفیت، کار شایسته با مزد مناسب، تامین اجتماعی، دسترسی به بهداشت و آموزش، تامین تحصیل رایگان، بیمه درمانی، حقوق بیکاری، از کار افتادگی، بازنشستگی، حق مسکن و معیشت و خدمات حمل و نقل عمومی برخوردار شود. این موارد را شروط توسعه انسانی و تحقق حقوق بشر در جامعه میدانیم.

3- ما مخالف هرگونه حکومت استبدادی، دیکتاتوری دینی، مذهبی و ایدئولوژیک در ایران هستیم و برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر دموکراسی پارلمانی غیرمتمرکز برخاسته از اراده آزاد مردم، از طریق پلورالیسم سیاسی و تامین مشارکت و انتخاب آزادانه مبارزه می‌کنیم.

4- ما برای صلح، دوستی و همکاری در روابط جهانی میکوشیم و با جنگ، دخالت ها و تعرضات سیاسی و نظامی قدرتهای جهانی در کشورهای دیگر مخالف هستیم. ما مخالف سیاستهای آزمندانه کشورهای امپریالیستی در اقصا نقاط دنیا بویژه در خاورمیانه هستیم. ما خواهان منع تولید و از بین بردن سلاحهای کشتار جمعی در جهان و بویژه در منطقه خاورمیانه هستیم. از مبارزات آزادیخواهانه، عدالت جویانه و صلح طلبانه در سرتاسر جهان پشتیبانی می کنیم. ما خواهان ارتباط و روابط همه جانبه با تمامی کشورهای دنیا مبتنی بر برابر حقوقی و تامین منافع ملی کشورمان هستیم. ما مخالف تنش زایی و دشمنی با کشورهای جهان و منطقه خاورمیانه هستیم.

5- تلاش و مبارزه ما برای تامین برابر حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه های زندگی سیاسی و اجتماعی است. تامین دموکراسی و توسعه یافتگی کامل کشور را در گرو تامین حقوق و مطالبات زنان در تمامی عرصه های زندگی آنان میدانیم. ما برای رهایی از مردسالاری و برابری جنسیتی مبارزه میکنیم. ما

با هرگونه دخالت در تعیین زندگی فردی، روابط خصوصی و نوع پوشش، بخصوص با تحمیل حجاب اجباری بر زنان کشورمان مخالف هستیم.

6- ما دخالت در امور شخصی و روابط خصوصی مردم را محکوم می کنیم و با مداخله در انتخاب فردی، اعم از گرایشات عقیدتی، مذهبی، جنسیتی مخالف هستیم و آزادی فردی را برای فعالیتهای اجتماعی، سیاسی، عقیدتی، مذهبی محترم می شماریم.

### در شرایط مشخص کنونی در ایران، ما بر آنیم که:

1- «جمهوری اسلامی» مانع اصلی آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و توسعه همه جانبه و پایدار در ایران است. ما برای گذار از جمهوری اسلامی به یک جمهوری سکولار مبتنی بر آزادی، دموکراسی، بر پایه حقوق اساسی انسان، تامین آزادی ها، کثرت گرایی، عدالت اجتماعی و برای تحقق یک دولت استوار بر موازین بین المللی حقوق بشر و قوانین مصوب نمایندگان مردم مبارزه می کنیم.

2- از نظر ما مناسبترین نظام سیاسی - اجتماعی برای ایران، جمهوری مبتنی بر آرای آزاد و برابر، بر اساس حقوق همگانی، اصل جدایی دین از حکومت و تفکیک قوای سه گانه است. ما خواستار ایجاد تناوب و محدودیت زمانی قدرت، انتخابی بودن کلیه سمت های دولتی و ساختارهای سیاسی و اداری و حکومتی غیر متمرکز و پلورالیستی هستیم.

3- برکناری جمهوری اسلامی نیازمند سازمان یابی و به میدان آمدن اکثریت مردم، کارگران و زحمتکشانشان، فرودستان، کارمندان، پرستاران، معلمان، طبقه متوسط جدید و نیروهای آزادی خواه و دمکرات است. روش راهبردی ما برای گذار، تکیه بر بسیج وسیع منابع و پایگاه اجتماعی چپ در همکاری و ائتلاف با دیگر نیروهای دمکرات، مترقی و جمهوریخواه جامعه استوار است.

4- در کشور ما گروههای ملی- قومی گوناگونی زندگی میکنند. یکی از معیارهای سنجش ارزشها و دموکراسی در کشور حد تامین حقوق ملی- قومی ایرانیان است. ما طرفدار آنیم که تصمیم گیری در مورد امور منطقه ای، در هر محل و تا پائین ترین درجات، توسط ساکنان هر منطقه صورت پذیرد. زبان مشترک ایرانیان زبان فارسی است. زبان همه ساکنین ایران باید در قانون اساسی به رسمیت شناخته شود و همه ایرانیان باید از حق آموزش به زبان مادری برخوردار شوند و دولت امکانات لازم برای شکوفایی همه زبانها و فرهنگهای ساکنین ایرانی را فراهم آورد. ما معتقدیم که بدین طریق ایران یکپارچه خواهد ماند، بی آنکه کشور بشکل متمرکز اداره شود و مردم ایران بر مبنای با برخوردار از حمایت قوانین عاری از تبعیض و عادلانه برخوردار خواهند شد.

5- از نظر ما نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن مبتنی بر ولایت فقیه است، که در آن ولی فقیه بر فراز تمامی نهادها و ارکان نظام است. شورای نگهبان که اعضای آن توسط ولی فقیه انتصاب میشوند، با اتکا به قانون نظارت استصوابی تمامی ارگانهای انتخابی را کنترل و مهندسی میکند. ساختارحقوقی جمهوری اسلامی همه راهها را برای اصلاحات بسته است. با این قانون اساسی و ساختار، نظام جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست. اصلاحات راهشگا در جهت تامین خواسته ها و حقوق دمکراتیک مردم ایران در جمهوری اسلامی ممکن نیست و از این روست که افاشار مختلف جامعه از این گفتمان اصلاح طلبان حکومتی عبور کرده و از توهم اصلاحات در چارچوب جمهوری اسلامی فاصله گرفته اند. ما از اصلاحاتی که در جهت بهبود شرایط زندگی مردم و تامین نیازهای آنها و یا باز شدن فضای جامعه باشد، حمایت میکنیم. اما اکثر اصلاح طلبان حکومتی امروز بیشتر به دنبال آنند که به هر قیمتی، از جمله تن دادن به اراده رهبر جمهوری اسلامی، همچنان در ساختار قدرت باقی بمانند. ما اصلاح طلبان حکومتی را نیروی متحد خود نمی دانیم. موضع ما نسبت به این یا آن سیاست و عمل اصلاح طلبانه، مشروط به کیفیت و راستای آن سیاست، منوط به سطح مطالبات مردم و مجموعه شرایط سیاسی- اقتصادی، اجتماعی جامعه است.

6- ما متکی بر مبارزه دمکراتیک، مسالمت آمیز و مدنی با نیروی مردم ایران با گسترش اعتصابات و اعتراضات بدون خشونت برای گذار از جمهوری اسلامی هستیم. تاکنون حکومت مسئولیت اصلی را در تحمیل سیاستها و شیوههای سرکوب، زندان، خشونت و اعدام به جنبشهای مردمی بوده است. ما از حق اعتراض مردم ایران در اشکال مختلف و از جمله در خیابانها حمایت میکنیم و برای دفاع از مطالبات و خواسته های آنان در کنارشان خواهیم بود.

7- تلاش برای نزدیک کردن نیروهای چپ، دموکرات، سکولار و جمهوریخواه جهت شکل دادن به یک ائتلاف گسترده سیاسی میان آنان برای گذار از جمهوری اسلامی، از مولفه های اصلی استراتژی سیاسی ما محسوب می شود. سیاست ما در این راستا بر اتحاد گسترده و ممکن با دیگر نیروهای چپ، ائتلاف با نیروهای آزادیخواه حول جمهوریخواهی، جدائی دین از حکومت و پذیرش و رعایت مبانی منشور جهانی حقوق بشر استوار است.

1. 8- سیاست خارجی ماجراجویانه و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در تضاد با حقوق و منافع ملی ایران است. سیاست خارجی مورد نظر ما مبتنی بر دوستی و تعامل میان دولت ها و کشورها، عدم تعهد به پیمانهای نظامی در سطح جهان و منطقه است. ما طرفدار استقلال کشور هستیم و قاطعانه با دخالت سیاسی و نظامی قدرتهای خارجی در امور داخلی ایران مخالفیم. نیازهای توده مردم باید در کانون سیاست خارجی باشد. سیاست خارجی مورد دفاع ما بدنبال فضایی است که در آن همکاری، همیاری، مشارکت و همبستگی مقدم بر رقابت آزمندانه و رویارویی های نا بخردانه و خطرآفرین برای صلح و نابودی طبیعت و محیط زیست در جهان و منطقه باشد. ما خواهان ارتباط و روابط همه جانبه با تمامی کشورهای دنیا مبتنی بر برابر حقوقی و تامین منافع ملی کشورمان هستیم. ما مخالف ایجاد تنش و سیاستهای خصمانه با کشورهای جهان و منطقه خاورمیانه هستیم و برای همزیستی عادلانه و دوستانه در کنار سایر مردم جهان تلاش میکنیم.

راحله طارانی، جعفر حسین زاده، مهزاد وطن آبادی، وهاب انصاری، علی صمد، رحمان ساکی، شاهین انزلی

## نامهای پیشنهادی

### جدول اسامی پیشنهادی نام تشکل نوپا برای کنگره

شماره	پسوند	نام پیش نهادی	پیش نهاددهنده	پیشوند
1		پویش چپ ایران / پویش دموکراتیک ایران	ساسان سلیمانی	
2		جبهه مشترک فداییان سوسیالیست	وبدا فرهودی	
3		چپ دموکرات ایران فداییان اکثریت، اتحاد فداییان - طرفداران	مهدی ابراهیمزاده	حزب



4	حزب آزادی ایران	علی از آمریکا
5	حزب آزادی و ترقی ایران	فرخ نعمت‌پور
6	(اتحاد فداییان - طرفداران وحدت چپ + فدائیان اکثریت + کنش‌گران چپ)	حزب آزادی، پیش‌رفت، عدالت حسن زهتاب
7	حزب آینده ایران	علی پورنقوی
8	(فداییان خلق)	چپ دموکرات ایران توران همتی حزب / سازمان
9	(فداییان خلق)	حزب چپ ایران بهروز خلیق
10	حزب سوسیالیست‌های ایران	امیر ممبینی
11	(وحدت فداییان خلق)	حزب آزادی و عدالت ایران بهزاد کریمی
12	سازمان عدالت، آزادی، دموکراسی و توسعه ایران - فداییان خلق همبستگی فداییان خلق ایران	بیژن اقدسی
13	فداییان خلق ایران	فرهاد فدایی، وهاب انصاری حزب / سازمان
14	سازمان متحد فداییان	رضا جوشنی
15	همبستگی برای توسعه پایدار ایران	احمد پورمندی
16	همیاران مردم ایران	پیش‌نهاد از داخل
17	رهروان آزادی مردم ایران	پیش‌نهاد از داخل
18	همراهان مردم ایران	پیش‌نهاد از داخل

---

**پیش نویس اساسنامه**

پیش نویس اساسنامه «تشکل نوپا» را که گروه کار آیین نامه و اساسنامه تهیه کرده است در زیر مشاهده میکنید.

توضیحات گروه آیین نامه و اساسنامه، با کلمه «توضیح» و با رنگ خاکستری مشخص شده است.

پیشنهاداتی که در گروه رای کافی نیاورده اند، و نیز اصلاحات پیشنهادی که گروه اساسنامه تشخیص داده است که بعنوان آلترناتیو بیاید، با رنگ زرد و با کلمه «پیشنهاد آلترناتیو» مشخص شده است که با توجه به آرای کنگره ابقا یا حذف خواهند شد.

تذکر ۱: برای دوره گذار قرار جداگانه ای صادر خواهد شد و بند مربوط به دوره گذار در این اساسنامه حذف شد.

تذکر ۲: هر جا که واژه آرا برای رای گیری در کنگره آمده بود، برای دقیق شدن منظور، به آرای کنگره تغییر یافت.

### **توضیح در رابطه با پیشنهادات ارائه شده روی اساسنامه:**

رفقا ضمن تشکر از همفکری و ارایه پیشنهادات.

اکثر پیشنهادات عینا یا با اصلاحات پذیرفته شده اند. در مواردی چندین پیشنهاد مطرح بوده است که ما ترکیبی یا بخشی از پیشنهادات با اصلاحات یا یکی از پیشنهادات را پذیرفته ایم.

همه پیشنهادات موجود روی بندها همراه گزارش همه آرابی که در جلسات یا به شکل ای میلی از رفقا گرفته شده است در کنار هر پیشنهاد و گاهها یا توضیح کوتاهی آمده است، که جداگانه در گزارشی به رفقا ارائه شده است.

بعضی از پیشنهادات نیز رای نیاوردند اما از آنجا که احتمال می دادیم که در کنگره بعنوان پیشنهاد مطرح باشند، بعنوان پیشنهاد آلترناتیو طرح کردیم و رای گیری روی آن را به کنگره محول کردیم.

ما قصد داشتیم در رابطه با پیشنهاداتی که در گروه آیین نامه و اساسنامه پذیرفته نشده اند، با تک تک رفقای پیشنهاد دهنده صحبت کنیم. اما با توجه به نزدیکی کنگره و اینکه ما باید اساسنامه پیشنهادی را برای درج در به پیش و برای کنگره آماده می کردیم، و نیز ادامه کار روی نام تشکل نوپا، متاسفانه امکان این کار میسر نشد.

ضمن پوزش از رفقا در این مورد، طبیعی است که اگر رفیقی همچنان بر پیشنهادش مصر باشد، می تواند آن را به کنگره ارائه کند. (لازم به ذکر است که تا لحظه چاپ دفتر کنگره یک نامه در رابطه با اصلاحات اساسنامه از رفیق علی پورنقوی به دست گروه اساسنامه رسیده بود، که در پایان اساسنامه بعنوان ضمیمه آمده است)

موفق باشید

گروه آیین نامه و اساسنامه

۱۶ مارس ۲۰۱۸ برابر با ۲۵ اسفند ۱۳۹۶

## ۱- نام

«...»

«توضیح» نام «تشکل نوپا» پس از تصویب در کنگره مشترک در این بند خواهد آمد. برای آسانسازی، در این طرح از واژه «تشکل نوپا» استفاده شده است.

## ۲- تعریف «تشکل نوپا»

۱-۲ «تشکل نوپا» که از وحدت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، کنشگران چپ، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ و دیگر فعالان چپ ایران شکل گرفته است، تشکل داوطلبانه افرادی است که دیدگاه ها و ارزشهای اعلام شده در منشور «تشکل نوپا» را پذیرفته و آمادگی دارند با پایبندی به اساسنامه برای تحقق آن ارزش ها و آماجها تلاش نموده و موازین این اساسنامه را پایه مناسبات سازمانی خود قرار دهند.

۲-۲ تعریف از یک سری مفاهیم بکارگرفته شده در این اساسنامه

### ۱-۲-۲-۱- رای اکثریت با یکی از این گزینه ها معنا میشود:

- «مطلق» یعنی نصف بعلاوه یک،

- «نسبی» یعنی دارای رای بیشتر،

- «موردی» که در زمینه های خاص در این اساسنامه تعیین شده باشد.

## ۳- مبنای فکری اساسنامه

۱-۳ «تشکل نوپا» مناسبات آزاد و دموکراتیکی را که برای استقرار آنها در جامعه ایران مبارزه می کند، بیش از همه در درون خود اعمال می کند. بنابراین مناسبات درونی «تشکل نوپا» بر پایه پرنسیپ های دموکراتیک و مشارکت همگانی سازماندهی می شود. «تشکل نوپا» آزادی بیان را در درون خود تامین و حق گرایش و فراکسیون سیاسی را به رسمیت می شناسد.

۲-۳ در «تشکل نوپا»، هرگونه تبعیض از جمله تبعیض جنسیتی، قومی - ملی و مسلکی مردود بوده و همه اعضا از حقوق برابر برخوردار هستند.

۳-۳ ساختار «تشکل نوپا» غیر متمرکز می باشد.

## ۴- مبنای مناسبات تشکیلاتی

۱-۴ همه ارگان های انتخابی در مقابل انتخاب کنندگان پاسخ گو هستند.

۲-۴ تصمیمات درارگانها براساس رای اکثریت اتخاذ میشوند.

۳-۴ تشکیل گرایش ها و فراکسیون های نظری سیاسی در درون «تشکل نوپا» با التزام به اساسنامه آزاد است.

۴-۴. پذیرش مسئولیت در «تشکل نوپا» داوطلبانه است. اعضای «تشکل نوپا» به اجبار به پذیرش مسئولیت موظف نمیشوند.

۴-۵. پذیرش مسئولیت به معنای تعهد به انجام آن، رعایت موازین سازمانی و امر پاسخگوئی است.

۴-۶. در پیشبرد فعالیتهای روزمره سه امر «مسئولیت»، «اختیار تصمیم گیری در چهارچوب مسئولیت» و «پذیرش داوطلبانه مسئولیت» راهنمای سازماندهی و مدیریت در «تشکل نوپا» است.

۴-۷. مسئولیت ها دوره ای بوده و مسئولین برای دوره های محدودی به مسئولیت برگمارده می شوند.

تبصره: محدوده زمانی برای هر دوره عضویت در یک ارگان و یا بودن در یک مسئولیت را ارگان انتخاب کننده تعیین خواهد نمود.

۴-۸. حق مشارکت اعضا چه در اطلاع رسانی و چه در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های کلان با تعبیه کانال های لازمه تامین و تضمین میشود.

۴-۹. در انتخاب ارگانها و تفویض مسئولیتهای، بنابر اصل برابری جنسیتی، مشارکت زنان متناسب با تعداد اعضای زن تضمین میشود.

۴-۱۰. ساختار تشکیلاتی بر اساس تلفیق دمکراسی نمایندگی، مشارکتی و مستقیم تنظیم شده است.

۴-۱۱. ساختار و مناسبات تشکیلاتی «تشکل نوپا» با هدف نیل به یک حزب برنامه ای سامان داده شده اند.

## ۵. عضویت در «تشکل نوپا»

### ۱-۵ شرایط عضویت

۱-۱-۵. پذیرش اساسنامه و اهداف مندرج در برنامه «تشکل نوپا»،

۲-۱-۵. داشتن تابعیت ایرانی «پیشنهاد آلترناتیو»

۳-۱-۵. عدم عضویت در دیگر احزاب ایرانی «پیشنهاد آلترناتیو»

۴-۱-۵. داشتن حداقل ۱۶ سال سن،

۵-۱-۵. داشتن دو نفر معرف «پیشنهاد آلترناتیو»

تبصره ۱: اعضای سه جریان عضو «تشکل نوپا» محسوب میشوند مگر خلاف آنرا اعلام کرده باشند.

### ۲-۵ کناره گیری از عضویت

۲-۵-۱. عضویت در «تشکل نوپا» و کناره گیری از آن داوطلبانه است.

۲-۲-۵- هر عضو حق دارد از عضویت در ارگان‌های «تشکل نوپا» استعفاء دهد. با اعلام استعفاء به صورت کتبی توسط عضو، استعفاء رسمیت پیدا می‌کند. یک هفته فرصت برای پس گرفتن استعفاء وجود دارد. پس گرفتن استعفاء به صورت کتبی الزامی است. در صورت بازگشت عضو مستعفی، همان روال عضوگیری در مورد او اجراء خواهد شد.

#### ۲-۵. وظائف عضو

۲-۵. ۱- پرداخت حق عضویت،

۲-۵. ۲- التزام عملی به اساسنامه.

#### ۴-۵. حقوق اعضا

۱-۴-۵. هر عضو حق دارد برای عضویت در ارگانهای سازمانی کاندیدا شود و به کاندیدای مورد نظر خود رای دهد،

۲-۴-۵. هر عضو حق اطلاعات مصوبات ارگان‌های منتخب خود و انتقاد نسبت به آن‌ها را دارد.

۲-۴-۵. هر عضو حق دارد نظرات خود را در تمامی سطوح، محافل و نشریات حزبی با رعایت موازین و آیین نامه‌های موجود بیان کرده و یا منتشر کند.

۴-۴-۵. هر عضو حق دارد در اتحادهای سیاسی که با برنامه و استراتژی سیاسی «تشکل نوپا» مغایرت نداشته و رقیب آن نباشند، فعالیت داشته باشد،

۵-۴-۵. هر عضو حق دارد در نهادهای مدنی، که اهداف آنها مغایر با اهداف «تشکل نوپا» نباشند به صفت شخصی فعالیت نماید.

۶-۴-۵. هر عضو حق دارد تا از هر گزارش، شکایت و یا تصمیم‌گیری مربوط به خود اطلاع حاصل نماید و در جهت دفاع از حقوق خود با اتکا به این اساسنامه اقدام کند.

#### ۵-۵. روند پذیرش عضویت

۱-۵-۵. تقاضای کتبی از طرف فرد متقاضی عضویت،

۲-۵-۵. پذیرش تقاضا توسط واحد پایه در «تشکل نوپا» و با ارگانی که از طرف شورای هماهنگی مسئولیت این کار را بعهده خواهد داشت.

#### ۵-۵. لغو عضویت

۱-۵-۵. عدم پرداخت حق عضویت طی شش ماه متوالی بدون عذر موجه

۲-۵-۵. نقض اساسنامه

۳-۵-۵. لغو عضویت با پیشنهاد واحد محلیموضوعیت یافته و با تصمیم‌گیری شورای هماهنگی صورت عملی پیدا میکند. عضو مربوطه حق دادخواهی به ارگان «رشد» را دارد. نظر ارگان «رشد» در این زمینه حکم قطعی است.

## ۶- ساختار تشکیلاتی

### ۶-۱- کنگره

۶-۱-۱- کنگره، بالاترین ارگان تصمیم‌گیری است که دو سال یکبار فراخوانده می‌شود.

۶-۱-۲- کنگره فوق‌العاده می‌تواند با درخواست یک سوم اعضای «تشکل نوپا» و با شورای هماهنگی، فراخوانده شود.

۶-۱-۳- سیاست‌گذاری و تدوین سیاست‌های عمومی «تشکل نوپا» بعهده کنگره است.

۶-۱-۴- تمام تصمیمات کنگره بجز در مورد اسناد پایه (، برنامه منشور و اساسنامه) با رای اکثریت مطلق (بیش از پنجاه درصد آرای کنگره) و با رای نسبی تصویب می‌شوند.

تبصره ۱: تغییرات در اسناد پایه (برنامه، منشور و اساسنامه) با اکثریت شصت درصد اعضا در کنگره امکان‌پذیر است.

۶-۱-۵- کنگره تعداد اعضای شورای هماهنگی «تشکل نوپا» را تعیین کرده و آنها را انتخاب میکند.

توضیح: در صورتی که انتخاب نهاد «رشد» در کنگره تصویب شود جمله زیر به بند ۶-۱-۵ و بندبناال تعداد اعضای شورای هماهنگی «تشکل نوپا» اضافه خواهد شد: و نهاد رسیدگی به شکایات و داوری «رشد»

۶-۱-۶- ارگانهای منتخب کنگره، موظف به ارائه گزارش از عملکرد خود به کنگره بوده و در مقابل آن پاسخگو می‌باشند.

### ۶-۲- شورای هماهنگی

#### ۶-۲-۱- شورای مرکزی «پیشنهاد آلترناتیو»

توضیح: با توجه به نامی که در کنگره مشخص می‌شود در تمامی این بخش نام نیز تطبیق داده خواهد شد.

۶-۲-۱- شورای هماهنگی «تشکل نوپا» عالی‌ترین ارگان سازمانی در فاصله دو کنگره است که در کنگره انتخاب شده و فعالیت‌های «تشکل نوپا» را در چارچوب مصوبات کنگره هدایت می‌کند.

۶-۲-۲- وظایف این شورا عبارتند از:

۶-۲-۲-۱- تدوین سیاست‌های عمومی «تشکل نوپا» در چارچوب مصوبات کنگره،

۶-۲-۲-۲- انتخاب هیات سیاسی - اجرائی «تشکل نوپا» و نظارت بر کارکرد آن

۶-۲-۲-۳- انتخاب سخنگوی / سخنگویان «تشکل نوپا»

۶-۲-۴- هرگاه به دلایلی جای یک یا چند نفر از اعضای شورای هماهنگی خالی بماند، این شورا مجاز است از بین داوطلبین عضویت برای شورای هماهنگی در آخرین کنگره به ترتیب آرای کنگره، با اکثریت دو سوم آراء، ترکیب خود را ترمیم کند.

۵-۲-۶- مسئول یا نماینده هر واحد کشوری و مسئول هر گروه کار که عضو شورای هماهنگی نیستند، مشاورین این شورا محسوب شده و در اجلاس آن شرکت می کنند.

۶-۲-۶- شورای هماهنگی از بین اعضای خود سه نفر را به عنوان هیات رئیسه با رای مخفی انتخاب میکند. اعضای هیات رئیسه نمی توانند عضو هیات سیاسی - اجرایی باشند

توضیح: اگر انتخاب ارگان «رئیس» در کنگره تصویب شود باید این متن و سایر ارگان های منتخب همایش به بند بالا اضافه شود: اعضای هیات رئیسه نمی توانند عضو هیات سیاسی - اجرایی و سایر ارگان های منتخب همایش باشند

۶-۲-۷. وظایف هیئت رئیسه شورای هماهنگی

۶-۲-۷.۱. انتخاب یک نفر از میان اعضای خود به عنوان مسئول،

۶-۲-۷.۲. مدیریت و فراخواندن جلسات شورای هماهنگی

۶-۲-۷.۳. پیگیری و نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورای هماهنگی،

۶-۲-۷.۴. فراهم آوردن امکان نظارت شورای هماهنگی بر کارکرد هیات سیاسی - اجرایی.

۶-۲-۷.۵. تهیه گزارش از جلسات شورای هماهنگی و ارسال آن به اعضای «تشکل نوپا».

۷-۲-۶- شورای هماهنگی وظیفه تدارک و فراخواندن کنگره را به عهده دارد.

#### ۲-۶-۲- هیات سیاسی - اجرایی

۱-۳-۶- هیات سیاسی - اجرایی، توسط شورای هماهنگی و از میان اعضای آن انتخاب شده و در فاصله میان اجلاس شورای هماهنگی، در چارچوب برنامه، منشور، اساسنامه، مصوبات کنگره و شورای هماهنگی سیاست ورزی می کند.

نبره: تعداد اعضای هیئت سیاسی اجرایی نباید بیشتر از یک سوم اعضای شورای هماهنگی باشد.

۲-۳-۶- هیات سیاسی - اجرایی هدایت و نظارت بر تشکیلات، انتشارات مرکزی، گروه های کار، امور مالی و نیز تنظیم مناسبات با دیگر احزاب، سازمان ها و نهادها را به عهده دارد.

۲-۳-۶- شمار اعضای هیات سیاسی - اجرایی را شورای هماهنگی تعیین میکند.

#### ۴-۶-۲- واحد های پایه

#### ۴-۶-۲- واحد های محلی «پیش نهاد آلترناتیو»

توضیح: با توجه به نامی که در کنگره مشخص می شود در تمامی این بخش نام نیز تطبیق داده خواهد شد.

۱-۴-۶- واحد های پایه برای سازماندهی و پیشبرد فعالیت ها در هر محل، توسط اعضای «تشکل نوپا» و به شکل داوطلبانه ایجاد می شوند.

۲-۴-۶- واحدهای پایه در تصمیم گیری ها و روش کار خویش در چارچوب منشور، اساسنامه و مصوبات کنگره و شورای هماهنگی (و هیئت سیاسی اجرایی «پیش نهاد آلترناتیو») خود مختارند.

۳-۴-۶- حد نصاب تشکیل یک واحد پایه سه نفر است.

۴-۴-۶- واحد های پایه از میان اعضای خود یک نفر را بعنوان مسئول و رابط با ارگان های بالاتر انتخاب می کنند.

۵-۴-۶- واحد های پایه، آیین نامه داخلی خود را تدوین می کنند و گزارش فعالیت های خود را برای اطلاع رسانی و یا بازتاب در مطبوعات سازمانی، در اختیار ارگان های بالاتر قرار می دهند.

#### ۵-۶- گروه های کار

۱-۵-۶- گروه های کار به پیشنهاد هیات سیاسی - اجرایی و یا شورای هماهنگی تشکیل شده و به ارگان منتخب خود پاسخگو می باشند.

۲-۵-۶- ارگان های منتخب موظف هستند ملزومات کافی برای پیشبرد وظایف این گروه ها را تامین کنند.

۳-۵-۶- گروه های کار از میان اعضای خود یک نفر را بعنوان مسئول و رابط انتخاب می کنند.

۴-۵-۶- گروه های کار در صورت نیاز آیین نامه داخلی خود را تدوین می کنند و گزارش فعالیت های خود را برای اطلاع رسانی و یا بازتاب در مطبوعات سازمانی، در اختیار هیات سیاسی اجرایی قرار می دهند.

نهاد «رشد» اضافه شود و اعضای آن در کنگره انتخاب شوند «پیشنهاد آلترناتیو»

توضیح: در صورتیکه انتخاب نهاد «رشد» در کنگره تصویب نشود، باید آلترناتیوی در مورد بند ۳-۵-۵ در نظر گرفته شود.

#### ۶-۶- نهاد رسیدگی به شکایات و داوری «رشد»

۱-۶-۶- نهاد رسیدگی به شکایات و داوری «رشد»، در کنگره انتخاب می شود.

۲-۶-۶- شمار اعضای این نهاد را کنگره تعیین میکند.

۳-۶-۶- «رشد» برای رسیدگی و داوری پیرامون شکایات کتبی اعضای «تشکل نوپا» از یکدیگر، اعضا از ارگان ها و بالعکس و شکایات ارگان ها از یکدیگر، به شرط آنکه منای دعوی و شکایت، فعالیت و زندگی تشکیلاتی باشد، تشکیل می گردد.

۴-۶-۶- داوری «رشد» برای همه اعضا و ارگان های سازمان از اعتبار برخوردار بوده و لازم الاجراست. تنها کنگره حق تجدیدنظر در مورد قضاوت «رشد» را دارد.

#### ۷- گرایش و فراکسیون

۱-۷- گرایش و یا فراکسیون گروهی از اعضای «تشکل نوپا» را دربر می گیرند که دستکم در یکی از عرصه های مسائل دیدگاهی، برنامه ای و یا سیاسی یکدیگر اشتراک نظر دارند.

۲-۷- گرایش میتواند حتی حول یک موضوع و برای مدت کوتاهی بوجود آید.

۳-۷- گرایش ها و فراکسیون های سیاسی در نشر و بیان نظرات و مباحث خود، از حقوق برابر برخوردارند.



۴.۷- فراکسیون دارای پلاتفرم، نام و هویت جمعی بوده و سازمان یافته است.

۱.۴.۷- تشکیل فراکسیون برپایه پلاتفرم کتبی بوده و توسط شورای هماهنگی رسمیت می یابد.

۲.۴.۷- فراکسیون رابطی را برای ایجاد ارتباط و هماهنگی به شورای هماهنگی معرفی میکند

۳.۴.۷- موازین حاکم بر مناسبات درونی فراکسیون همان موازینی است که در این اساسنامه آمده اند.

۴.۴.۷- فراکسیون بخشی از «تشکل نوپا» است.

۵.۴.۷- فراکسیون می تواند از امکانات «تشکل نوپا»، برای تبلیغ علنی نظرات خود استفاده کند.

۶.۴.۷- فعالیت فراکسیون ها علنی و شفاف است و دیگر اعضا می توانند در جلسات آنان شرکت کنند.

۷.۴.۷- فراکسیون ها مجاز به اتحاد با نیروهای سیاسی منفرد و متشکل نیستند.

۸.۴.۷- چنانچه فعالیت سیاسی یک فراکسیون مغایر با اساسنامههاش بعد از یکبار تذکر، فعالیت سیاسی

آن فراکسیون توسط شورای هماهنگی معلق خواهد شد. تصمیم نهایی در این موارد با کنگره است.

۹.۴.۷- فراکسیون حق دریافت حق عضویت جداگانه را ندارد، اما صندوق مرکزی موظف است هزینه های

فراکسیون را در حد توان تامین کند.

۱۰.۴.۷- فراکسیون مجاز نیست ارگان و رسانه مستقل از «تشکل نوپا» داشته باشد.

## ۸- بخش مالی

۱.۸- هزینه های مالی «تشکل نوپا» از طریق حق عضویت و کمکهای مالی اعضا و دوستداران تامین می

شود.

۸-۲- شورای هماهنگی موظف است که گزارش مالی حساب رسی شده را به کنگره ارائه دهد.

## ۹- انجلا تشکل نوپا

۹-۱- انجلا «تشکل نوپا» برای موافق حداقل هفتاد و پنج درصد اعضای آن امکانپذیر است.

این اساسنامه با ۹ فصل و ... بند و ... تبصره بتاریخ... در کنگره بنیانگذار با... آرای کنگره به تصویب رسید.

ضمیمه:

رفقای عزیز گروه کار اساسنامه

سلام

لطفاً دو پیشنهاد من را که نپذیرفته اید، برای تصمیم گیری در اختیار کنگره بگذارید:

1- پیشنهاد اول: حزبیت اصل مقدم عمومی در روابط درونی "تشکل نوپا" است.

2- پیشنهاد دوم: هر عضو حق دارد مطابق وجدانیات خود، ولو در مغایرت با اصل مقدم حزبیت عمل کند.

با احترام

صمد

## پیش نویس سند سیاسی

### گزارش گروه کار موضع گیری پیرامون سند سیاسی به کنگره

سند سیاسی توسط گروه کار موضع گیری و با همکاری عده‌ای از رفقا تهیه شده است. در گروه کار ابتدا بحث و گفتگو روی نگاه به سند سیاسی، محورهای سند و مضامین آن صورت گرفت و توافق حاصل گردید. پیشنهاد این بود که تهیه سند سیاسی به جهت تحولات سیاسی عقب بیافتد. سند سیاسی بعد از خیزش اعتراضی مردم نوشته شد.

در گروه کار روی سند سیاسی کار شد و پیشنهادها وارد متن گردید. سند در دفترچه کنگره و در سایت به پیش، کارآنلاین، عصرنو و اخبار روز منتشر شده است و در جلسه عمومی سه جریان به بحث و گفتگو گذاشته شده است. بعد از انتشار تعدادی پیشنهاد ارائه گردید و نقدی هم انتشار یافت. گروه کار دوباره روی سند کار کرد. اکنون متن نهائی در اختیار شماست.

پیشنهادهایی که پذیرفته نشده و یا در گروه برسر آن نظر یکسانی وجود ندارد، در زیر سند سیاسی آمده است.

گروه کار موضع گیری سیاسی

۱۷ مارس ۲۰۱۸

## اوضاع سیاسی کشور و سیاست های ما

### اوضاع سیاسی کشور

جمهوری اسلامی با بحران‌ها و شکاف‌های اجتماعی متعدد و حادی روبرو است. بحران‌های مزمن آن استمرار یافته و شکاف‌های اجتماعی فعال شده‌اند. جمهوری اسلامی با بحران مشروعیت، بحران کارآمدی، بحران ایدئولوژیک و رهبری و چالش جریان‌های درون خود مواجه است. اکثر منابع اقتدار جمهوری اسلامی در وضعیت بحرانی قرار دارد. این حکومت در اساس با تکیه به ارگان‌های نظامی، امنیتی - اطلاعاتی، تبلیغاتی، پایگاه محدود اجتماعی و درآمد نفت به سلطه خود ادامه می‌دهد. وضعیت جمهوری اسلامی ناپایدار و شکننده تر شده و نارضایتی مردم از حکومت گسترده تر گشته و کشور وارد فرآیند بحران سیاسی گردیده است.

خیزش اعتراضی مردم در دی‌ماه ۹۶ تجلی همین شرایط بحرانی بود. خیزشی که صحنه سیاسی کشور را دگرگون کرد. خیزش مردم بدون رهبری با ابتکار اقدام جمعی اما مستقل در بیش از ۸۰ شهر کشور شکل گرفت. شبکه‌های اجتماعی و تلفن‌های هوشمند در گسترش اعتراضات مردم به خصوص در روزهای اول نقش مهم داشتند. خیزش مردم مطالبات اقتصادی را به سطح سیاسی کشاند و آزادی را با عدالت اجتماعی پیوند زد. اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی، روحانیت، ولایت فقیه، علی خامنه‌ای و حسن روحانی بود. بنا به آمارهای رسمی ۷۵ درصد مردم از وضع موجود ناراضی‌اند، به جمهوری اسلامی بی‌اعتمادند و خواهان تغییر وضعیت موجودند.

کشور ما با ابرچالش‌های متعددی در حوزه اقتصادی روبرو است؛ رکود اقتصادی و بحران واحدهای تولیدی، بحران منابع آب کشور، مسائل محیط زیست، فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، ورشستگی صندوق‌های

بازنشیستگی، نظام بانکی، کسری عظیم بودجه دولت و حجم عظیم دستگاه دولتی. وضعیت زندگی گروه های وسیعی از مردم به ویژه کارگران و مزدگیران بر اثر بحران اقتصادی و سیاست‌های نئولیبرالی دولت روحانی وخیم‌تر شده، لایه‌های میانی جامعه تجزیه شده و گروه‌های وسیعی از آن‌ها به سوی لایه‌های پائین سوق یافته و بر حجم تهیدستان کشور افزوده شده است. لایه نازکی از جامعه به ثروت‌های افسانه ای دست یافته، فاصله فقر و ثروت به شدت رو به افزایش گذاشته و شکاف طبقاتی عمق بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. جمهوری اسلامی نمی‌تواند بر بحران اقتصادی غلبه کند. غلبه بر بحران اقتصادی در کشور ما در گرو تغییر ساختار سیاسی کشور است. اقتصاد پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است.

وضعیت سیاسی کشور ما در حال حاضر از چالش‌های منطقه متأثر است. خاورمیانه به کانون چالش و رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده است. جمهوری اسلامی تحت فشار شدید در سطح منطقه و جهان قرار دارد. از یکسو سیاست‌های توسعه‌طلبانه و ماجراجویانه جمهوری اسلامی در منطقه و دشمنی دیرینه آن با اسرائیل و آمریکا و از سوی دیگر سیاست‌های خصمانه دولت آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی نسبت به جمهوری اسلامی، کشور ما را با خطرات بزرگی مواجه ساخته است. خطر رودروئی، روزبروز افزایش می‌یابد.

تداوم و تشدید تحریم‌های اقتصادی توسط دولت آمریکا بر اقتصاد کشور تأثیرات مخربی گذاشته است. تمرکز آمریکا بر روی برنامه موشکی جمهوری اسلامی و تمایل ضمنی اروپا به بازکردن چنین پرونده‌ای، می‌تواند گشایش محدود بعد از برجام را کاملاً منتفی سازد. فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی همراه با تحریم‌های اقتصادی به عنوان یک پارامتر مهم، بحران‌های داخل کشور را تشدید و بر شکنندگی جمهوری اسلامی و ناپایداری آن می‌افزاید.

جمهوری اسلامی سد راه هر نوع تغییر مثبت بنیادین در کشور ماست و به جهت ساختار و ترکیب قدرت حاکم و عملکرد مخرب خود طی چهار دهه گذشته، با وضعیت بن‌بست مواجه است. ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی راه اصلاحات را مسدود کرده است. برون‌رفت از وضعیت بحرانی کشور و خروج از بن‌بست، مستلزم تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و تغییر قانون اساسی است. اما بلوک قدرت به رهبری علی خامنه‌ای تن دادن به تغییر و رفرم را پایان کار خود می‌بیند و همچنان به مشت آهنین متوسل می‌شود. تداوم وضع وجود، بحران‌های کنونی حکومت را تشدید کرده و می‌تواند به فروپاشی آن بیانجامد.

رویکرد ما در شرایط کنونی از یکسو ارائه طرح سیاسی برای گذار به دموکراسی با حداقل هزینه و از سوی دیگر ارائه سیاست‌های عملی برای زمینه‌سازی چنین گذاری است.

## سیاست‌های ما

### گذار به دموکراسی و طرح پیشنهادی ما

- گفتمان گذار از جمهوری اسلامی و دستیابی به دموکراسی با توجه به بحران سیاسی کشور، جای خود را در صحنه سیاسی کشور باز کرده است. ضروری است نیروهای آزادیخواه و دموکرات برای مدیریت گذار دموکراتیک طرح و برنامه داشته باشند. برای گذار از جمهوری اسلامی به دموکراسی با حداقل هزینه، جلوگیری از فروپاشی کشور و جنگ داخلی، ارائه طرح سیاسی و همکاری و اتحاد نیروهای جمهوریخواه دموکرات و سکولار به امر تاخیرناپذیر تبدیل شده است. ما برای همکاری و اتحاد نیروهای جمهوریخواه، دموکرات و سکولار و پیوند یافتن آن با خیزش اعتراضی مردم تلاش می‌کنیم. برای گذار به دموکراسی لازم است نیروهای سیاسی کشور روی پرنسیپ‌های دموکراتیک، برگزاری مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی و قضاوت صندوق رای توافق کنند.

- گذار به دموکراسی به اتکای جنبش فراگیر و نیرومند و نافرمانی گسترده ممکن است. سیاست ما تقویت خیزش اعتراضی مردم، پیوند خوردن آن با سایر جنبش‌های اجتماعی و فرارویاندن آن به جنبش سراسری و قدرتمند است. تغییر در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مستلزم پیوند خوردن خیزش تهیدستان با طبقه کارگر و طبقه متوسط جدید و اعتصابات سراسری کارگران، معلمان و کارمندان با اعتراضات خیابانی است. ما برای تحقق چنین پیوندی تلاش می‌کنیم.

- دخالت دولت‌های خارجی برای تغییر رژیم ایران، همانند عراق می‌تواند به جنگ داخلی و جان گرفتن جریانی مثل داعش بر بستر زمینه‌های مساعد منجر گردد. آزادی و دموکراسی از خارج توسط دولت‌های دیگر و با تحریم‌های فلج‌کننده در کشور ما پا نمی‌گیرد. دموکراسی امری درون‌زا و هم از اینرو جایگزینی جمهوری اسلامی با جمهوری دموکراتیک و سکولار، کار مردم ایران است و با اتکاء به نیروها و نهادهای دموکراتیک می‌تواند تحقق یابد. ما مخالف آلترناتیوسازی توسط دولت‌های خارجی و اتکاء اپوزیسیون به آن‌ها برای گذار از جمهوری اسلامی به دموکراسی هستیم.

- خیزش اعتراضی مردم در دی ماه گذشته عمیقاً خصلت طبقاتی داشت. این خیزش بار دیگر نشان داد که پیوند کار، نان و آزادی ضرورت امروز جامعه ما است و می‌تواند به یک جریان و گفتمان نیرومند تبدیل شود و چپ دموکرات و سوسیالیست باورمند به پیوند آزادی و عدالت اجتماعی در آن قویاً نقش ایفاء کند. از این رو حضور متشکل چپ دموکرات و سوسیالیست در صحنه سیاسی کشور به امر تأخیرناپذیر تبدیل شده است. ما بر تقویت حضور چپ در صحنه سیاسی کشور و در این راستا بر همکاری و اتحاد نیروهای چپ کشورمان تأکید داریم.

### **تمرکز مبارزه علیه ولایت فقیه**

قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی عمدتاً در دست ولی‌فقیه و بیت وی، نظامی - امنیتی‌ها، روحانیون حکومتی و راست افراطی متمرکز شده است که در راس آن ولی‌فقیه قرار دارد. این بلوک مانع اصلی تغییر سیاست‌های کشور در عرصه داخلی و خارجی است. در گذار از استبداد به دموکراسی، سمت اصلی مبارزه ما علیه بلوک قدرت و در راس آن ولی‌فقیه و ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است.

### **در باره اصلاح طلبان**

موقعیت اصلاح‌طلبان حکومتی به جهت اتخاذ مواضع محافظه‌کارانه طی سال‌های گذشته، حمایت یک جانبه از حسن روحانی و موضع‌گیری مقابله‌جویانه گروهی از آن‌ها با خیزش اعتراضی مردم از یکسو و از سوی دیگر به خاطر بن‌بست راهبرد اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی، تضعیف و از پایگاه اجتماعی آن‌ها کاسته شده است. رویکرد بخشی از اصلاح‌طلبان، حفظ و بسط موقعیت خود در جمهوری اسلامی است. اصلاح‌طلبان حکومتی روند تجزیه میان محافظه‌کاری و تحول‌طلبی را طی می‌کنند. موضع ما در مورد این جریان نقد نگاه و مواضع آن‌ها است. ما از روند تجزیه در صفوف اصلاح‌طلبان به سود تحول‌طلبی استقبال می‌کنیم.

### **آزادی‌های سیاسی**

ما خواهان تأمین و تضمین آزادی بیان، اندیشه، مطبوعات، گردش آزادانه اطلاعات و اجتماعات هستیم و از مبارزه نویسندگان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران علیه سانسور دفاع می‌کنیم.

## علیه فساد

فساد و رانت‌خواری در رژیم جمهوری اسلامی ساختاری است. مبارزه علیه رانت‌خواری و فساد نیازمند شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، رسانه‌های آزاد و فراهم آوردن امکان نظارت رسانه‌ها و اتحادیه‌ها، مجامع صنفی و سازمان‌های غیردولتی بر فعالیتهای اقتصادی حکومت و مسئولان آن است. اما استبداد حاکم همه این منافذ را بسته است.

## دفاع از جنبش کارگری و مزدبگیران

ما همراه و پشتیبان مبارزات کارگران برای قانونی شناختن سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگران، افزایش و پرداخت به موقع دستمزد کارگران، شمولیت یافتن قانون کار به همه کارگران، ممنوعیت کار کودکان و لغو قراردادهای موقت در مشاغلی که ماهیت مستمر دارند، ایجاد اشتغال، قرار گرفتن همه کارگران تحت پوشش تأمین اجتماعی و آزادی کارگران زندانی هستیم. ما از مطالبات و مبارزات آموزگاران، بازنشستگان، کارمندان و پرستاران حمایت می‌کنیم.

## مبارزه با تبعیض جنسیتی

ما علیه قوانین ضدزن، تبعیض جنسیتی جمهوری اسلامی و فرهنگ مردسالاری و برای تأمین برابر حقوقی زنان با مردان تلاش می‌کنیم. مبارزه زنان علیه حجاب اجباری وارد فاز نوینی شده است. ما پشتیبان این حرکت و جنبش زنان هستیم.

## حمایت از مبارزات دانشجویان

هنوز اختناق برفضای دانشگاه‌های کشور حاکم است. ما خواهان تأمین استقلال دانشگاه‌ها و باز شدن فضا برای فعالیت‌های صنفی و سیاسی در دانشگاه‌ها و تشکیل نهادهای صنفی و مدنی هستیم و از مبارزات دانشجویان برای تأمین آزادی، عدالت اجتماعی و استقرار دموکراسی در کشور حمایت می‌کنیم.

## وخامت وضع محیط زیست

وضعیت محیط زیست در کشور ما به شدت وخیم و بحران خشکسالی و کم‌آبی فاجعه‌بار شده است. لازم است با تدوین مقررات لازم و انجام اقدامات ضرور جلوی آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها و مراتع، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها گرفته شود. استفاده بهینه از انرژی و کاهش پخش مواد آلوده‌زا و بر پایه استانداردهای زیست محیطی تشویق و برنامه‌ریزی گردد.

## علیه تبعیض ملی، قومی و مذهبی

حقوق ملیت‌ها، اقوام و اقلیت‌های مذهبی در جمهوری اسلامی به شدت نقض می‌شود. ما بر تأمین حقوق ملی، قومی و برابر حقوقی شهروندان بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های ملی، قومی، زبانی، مذهبی و شیوه‌های زندگی فردی هستیم و بر عدم تمرکز و ضرورت اداره امور هر منطقه به دست ساکنان آن و آموزش به زبان مادری تأکید داریم. تبعیض مذهبی علیه سنی‌ها، بهایی‌ها، درویش، مسیحی‌ها و یهودی‌ها و... باید بی‌درنگ متوقف شود.

## علیه سیاست های جنگ طلبانه و توسعه طلبانه در منطقه

- ما مخالف سیاست های جنگ طلبانه دولت امریکا، اسرائیل و عربستان در خاورمیانه هستیم و از گفتگو و مذاکره برای پایان دادن به جنگ، استقرار صلح و ثبات در منطقه، از شکل گیری منطقه عاری از سلاح های هسته ای و شیمیائی، از تامین حقوق بشر، دموکراتیزاسیون و سکولاریزه کردن ساختارهای سیاسی و اجتماعی، همکاری های اقتصادی و سمت گیری برای ایجاد بازار مشترک و بهره گیری از ثروت نفت در خدمت رشد اقتصادی، رفاه و عدالت اجتماعی با در نظر داشت حفظ محیط زیست دفاع می کنیم.

- جمهوری اسلامی با حضور نظامی و مداخله در کشورهای منطقه، به ویژه در سوریه، هزینه سنگینی را بر میهن ما تحمیل کرده است. اصرار سران رژیم بر تداوم این حضور در شرایط پرمخاطره منطقه، کشور ما را با مخاطرات بیشتری مواجه خواهد ساخت. ما خواهان پایان دادن به مشی ماجراجویانه، صدور "انقلاب اسلامی"، سیاست های تنش زا و توسعه طلبانه جمهوری اسلامی در منطقه و خروج جمهوری اسلامی از عراق، یمن و به ویژه سوریه هستیم. منافع ملی ما در گرو تامین صلح در منطقه است. ما نیروهای آزادیخواه کشور را برای اعمال فشار به رژیم ایران برای خروج از این کشورها فرا می خوانیم.

---

## نظرات و پیشنهادهای

۱. در مورد فراندوم نظرات متفاوتی در گروه کار موضع گیری سیاسی وجود دارد. نظری تاکید دارد که در بخش سیاست های ما در بند "گذار به دموکراسی و طرح پیشنهادی ما" فراندوم برای تغییر قانون اساسی به عنوان طرح پیشنهادی ما گنجانده شود. نظر دیگر موافق آن نیست. پیشنهاد ارائه شده: " طرح پیشنهادی ما برگزاری فراندوم برای تغییر قانون اساسی و تشکیل مجلس موسسان است."

۲. در موضوع "علیه تبعیض ملی، قومی و مذهبی" - پیشنهاد شده است که به جای "مورد آموزش به زبان مادری" نوشته شود: "آموزش زبان مادری."

**کنگره بنیانگذار**